



دوشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۰ | سال هشتم  
دوره جدید ۱۷۷ | شماره پیاپی ۲۱۰  
قیمت ۱۰ هزار تومان

# پرونده‌ای برای احوال این روزهای محیط زیست معادن کاوی زخمی بر پیکره محیط زیست یزد

- کیفیت زیست محیطی بافت در معرض تهدید قرار دارد
- انباشت زباله در بناهای بی‌سروسامان بافت تاریخی
- گزاشی از وضعیت گونه‌های گیاهی در حال انقراض یزد
- لیست سرخ؛ داغ انقراض گونه‌های گیاهی بر دل طبیعت یزد
- کوه بری در روستاهای تفت
- زخم‌هایی که معادن بر تن محیط زیست تفت می‌زنند
- سگهای ولگرد از حاشیه شهر تا قلب بافت تاریخی
- شبیخون سگهای ولگرد، مشکل جدید یزد
- استان یزد، زیستگاه طیف متنوع جانوران
- مرگ حیات وحش یزد؛ جدال نابرابر با خشکسالی و شکار
- گفتگوی محیط زیستی پرگار با علیرضا دهقان مستندساز
- انسان، هارمونی طبیعت را به هم زده است







طراح: محسن جعفری

# بحران کم آبی جدی است

با هم از این بحران گذرمی کنیم



شرکت سهامی  
آب منطقه ای بزرگ



وزارت بهداشت و آموزش  
پزشکی



وزارت آموزش عالی،  
تحقیق و فناوری





## جامعه



### ● فضای مجازی و گارد باز

## پرونده



- افزایش آگاهی و هم‌اندیشی، کلید حل مشکلات
- رفتارهای محیط زیستی باید نهادینه شود
- کیفیت زیست‌محیطی بافت در معرض تهدید قرار دارد
- من چه زمانی متولد شدم!؟
- گزارشی از وضعیت گونه‌های گیاهی در حال انقراض یزد
- معدن کاوی، زخمی بر پیکره یزد
- شیبیخون سگ‌های ولگرد، مشکل جدید یزد
- یک شهر بی زباله
- مرگ حیات وحش یزد؛ جدال نابرابر با خشکسالی و شکار
- کوهبری در روستاهای تفت
- انسان، هارمونی طبیعت را به هم زده است



## فرهنگ و ادب



- نگاهی به زندگی استاد غلام صنعتی پدر صنعت نساجی نوین یزد
- گویی به پناه آمده در نزد تو خورشید
- شرحی بر زندگی استاد ایرج افشار (بخش نهم)

صاحب امتیاز:  
نسرین زمان زاده  
مدیر مسئول:  
زهره شاه‌شوازی  
قائم مقام مدیرمسئول:  
مهدی زمان زاده

سرمدبیر:  
عاطفه ابراهیمی  
دبیر تحریریه:  
شادی شفیعی  
مجری انتشار:  
آژانس هنر و تجربه

ویرگول  
صفحه آرایی:  
سمیرا میدانی  
چاپ:  
ولیعصر یزد  
تیراژ:  
۵۰۰ نسخه  
نشانی:

یزد، خیابان قیام، کوچه ۱۷  
(حسینیه حاجی یوسف)،  
کوچه ابریشمی، پلاک ۲  
انتشار آگهی:  
۰۳۵ ۳۶ ۲۷۴۷ ۱۳  
۰۹۱۹۴۹۶۳۷۳۳۴

از تمامی علاقه مندان برای  
همکاری در هفته نامه  
پرگار دعوت می‌شود مطالب  
خود را به‌ایمیل نشریه  
ارسال کنند. مطالب منتشر  
شده لزوماً دیدگاه پرگار  
نیست. پرگار منتظر نظرات  
و انتقادات خوانندگان  
است.

پرگار نشریه مستقل و متعلق  
به بخش خصوصی است.

پست الکترونیک  
Info@pargarnews.ir  
دانلود نسخه الکترونیک  
www.pargarnews.ir



## نامه‌های سر بسته در سفر رئیس جمهور

سرمقاله

زهره شاه‌شوازی



دولت سیزدهم با وعده حل برخی از مشکلات اقتصادی از جمله حل مشکلات معیشتی مردم روی کار آمد. به عبارتی حل مشکلات اقتصادی، کمک به افزایش تولید و توسعه زیر ساخت‌های اقتصادی برای افزایش اشتغال با تاکید بر ظرفیت‌ها و استعداد های بومی هر استان؛ اصلی ترین سیاستی است که رئیس دولت سیزدهم آن را دنبال می‌کند.

بر همین مبنا مشکلات بارزی چون بیکاری، تورم، از دست رفتن رفاه خانوار و معیشت مردم به عنوان مهمترین مطالبات مردم از رئیس جمهور می‌شود. امری که باعث شده رئیس جمهور و هیات همراهش آخر هفته را به استانهای کشور سفر کنند. اگرچه سفر استانی به معنی متداول امروز از زمان دولت‌های نهم و دهم و حضور محمود احمدی‌نژاد در میان جامعه تجلی یافت که آن نیز موافقان و مخالفان متعددی را نسبت به هدف و نتایج این سفرها به دنبال داشت. سفرهایی که نیازمند هماهنگی، برنامه‌ریزی و تدارکات خاص ریاست جمهوری حتی در ساده‌ترین شکل آن است و قطعا هزینه‌هایی به همراه دارد. حجم بالای مصوبات دولت در این سفرها، عدم اختصاص بودجه لازم برای این مصوبات، فقدان کار کارشناسی برای تصویب پروژه‌ها و حضور همه اعضای دولت در سفرها ایراداتی است که بر این سفرها وارد است.

حامیان رئیس جمهور حضور وی را در مناطق مختلف برای حل مشکلات مختلف استان‌ها راهگشا می‌دانند و معتقدند که حضور رئیس دولت و هیات همراه وی در مناطق مختلف کشور و لمس مشکلات مردم از نزدیک برای حل چالش‌های موجود و جلوگیری از چالش‌های آتی، بسیار کارگشاست. از آن جهت که این سفرها می‌تواند پشتیبانی از مقامات استانی برای انجام وظایف محوله ای باشد که نیازمند به حمایت هر چه بیشتر دولت هستند از سوی دیگر مردمی بودن دولت سیزدهم نقطه عطفی در راستای افزایش سرمایه اجتماعی است و به حل مشکلات و دغدغه‌های مردم کمک می‌کند. مردمی بودن دولت؛ سرمایه اجتماعی نظام را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود که نظام بتواند با افزایش سرمایه اجتماعی، پشتیبانی مردم را همراه خود داشته باشد. هر سفر استانی رییس جمهور بین ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نامه نوشته می‌شود. این نامه‌ها علاوه بر درخواستهایی است که به صورت الکترونیکی در سامانه ۱۱۱ ثبت می‌شود. جدا از هدر رفت وقت مردم و دولت در فرآیند سفرهای ریاست جمهوری نکته قابل تامل پاسخگویی به این نامه‌ها و درخواست‌هاست که گفته می‌شود حداقل یکماه طول می‌کشد. از سوی دیگر اعتبار مورد نیاز برای پاسخ به درخواست‌ها و نامه‌های مردمی است که اغلب آنها اقتصادی و مالی است.

به طور نمونه در سفر اخیر رئیس جمهور به یزد نه تنها تاکنون بودجه‌ای برای پاسخگویی به نامه‌ها اختصاص نیافته بلکه همچنین گفته می‌شود تیم رئیس جمهور هیچ نامه‌ای را از استان خارج نکرده‌اند و خواسته‌اند توسط خود استان پاسخ داده شود. این در حالی است که درخواست‌های مردمی اگر در استان قابل حل بود مردم دلیلی برای طرح آن با رئیس جمهور و تیم همراه آن نداشتند چرا که مدیران دستگاه‌های اجرایی استان ماهیانه در مرکز از تباطات مردمی استانداری حضور یافته و از طریق سامانه سامد (۱۱۱) پاسخگوی درخواست‌های مردمی بوده و هستند. بی‌شک نبود اعتبار لازم و وجود برخی گره‌های قانونی و سازمانی در سطح کلان کشور منجر به عدم حل مشکلات مردمی در سطح استانی گردیده است که مردم را بر آن داشته تا نسبت به حل آن از طریق سفر ریاست جمهوری اقدام کنند.

نتایج مصوبات سفرهای ریاست جمهوری در این دولت و دولت‌های پیشین نشان می‌دهد این سفرها تأثیری بنیادین در زندگی مردم استان‌ها نداشته است. چرا که برای بهبود شرایط زندگی و معیشت مردم به زنجیره‌ای از اقدامات نیاز است تا به تدریج با رفع موانع موجود بتوان به این هدف رسید.

بدین معنا که حل مشکلات اقتصادی، تامین مسکن و اشتغالزایی بدون اعتبار ممکن نیست و همه این امور نیازمند تزریق اعتبار و سرمایه در گردش است. از سوی دیگر تزریق میلیاردها تومان نقدینگی به کشور حتی با نیت خیر برای یارانه، حقوق، ایجاد شغل و ساخت مسکن، باز هم به رشد شاخص نقدینگی و در نهایت تورم منجر می‌شود.

## فضای مجازی و گاردِ باز

اگر حداقل یکبار مسابقات رزمی را دیده باشید، حتماً از گزارشگر برنامه شبیه این جمله را شنیده‌اید: «گارد خودش رو بسته تا ضربه نخوره» یا «اگر با این گارد باز ادامه بده حتماً ضربه پذیره!». گارد بسته اولین ترفند دفاعی در ورزش‌های رزمی است و بارها از طرف مربیان ورزش‌های مختلف تاکید می‌شود که یک بازیگر و فعال در میدان، باید در وهله اول دفاع خوبی داشته باشد تا بتوانید به موقع و مناسب حمله کنید و میدان را در دست بگیرید. گاردِ باز یعنی مسیر را برای ورود دیگران به نقاط ممنوعه گشودن، این نقطه ممنوعه می‌تواند صورت یک بوکسور یا نقطه‌ای هر چند کوچک از زمین والیبال یا مسیر به سمت دروازه یک تیم فوتبال باشد که در صورت باز بودن می‌تواند یک فعال میدان ورزشی را ضربه پذیر کند.

داود پاک طینت



دانشجوی دکتری  
علوم ارتباطات

خود را - که جنبه خصوصی دارد - به اشتراک می‌گذارند در واقع مثل ورزشکاری هستند که در میدان مبارزه و کنشگری گاردِ خود را باز گذاشته است و مسیرهای آسیب پذیری خود را برای حریفان به نمایش می‌گذارد دیری نمی‌پاید که ضربه‌های مهلکی را دریافت می‌کند و بعضاً خودش هم نمی‌داند از کدام نقطه و چرا ضربه خورده است.

البته شفافیت در گفتار و رفتار و به اشتراک گذاری تجاری که می‌تواند برای سایرین هم مفید باشد با رعایت حدود شخصی و خصوصی یک امر پسندیده است که پرداختن به ابعاد آن نوشتار جداگانه‌ای را می‌طلبد.

اما نباید شبکه‌های اجتماعی که می‌توانند به عنوان سیستم تسهیلگر فعالیت‌های ارتباطی ما نقش آفرینی کنند را با عدم سواد رسانه‌ای و نشناختن همه ابعاد آن‌ها، به وسیله‌ای برای افزایش ضریب آسیب پذیری خود تبدیل کنیم.

هر انسانی نکات خصوصی و غیر عمومی برای خود دارد و برای بالابردن مصونیت خود باید اطلاعات زندگی خود را طبقه‌بندی کند به گونه‌ای که افراد خاصی آن هم کنترل شده و نظام‌مند بتوانند اطلاعاتی در مورد فرد به دست آورند. امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که با فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی سروکار نداشته باشد. این فضا مطابق نام خود واقعاً شبکه‌ای است و در کسری از ثانیه اطلاعات و داده‌های تولید شده توسط هر فردی با ده‌ها بلکه هزاران نفر به اشتراک گذاشته می‌شود، هزاران نفری که فرد تولید کننده محتوا و ارائه دهنده اطلاعات (اطلاعات شخصی از خود) حتی خیلی از آن افراد را نمی‌شناسد و حتی بیشتر مواقع مطلع هم نمی‌شود که چه کسانی اطلاعات به اشتراک گذاشته او را مطالعه کرده‌اند.

افرادی که به راحتی و بی‌پروا از علائق و سلايق خود در فضای مجازی می‌گویند و سفرها، مرادوات، نشست‌ها و گفتگوهای





# پرونده

## بررسی مشکلات زیست محیطی یزد

- افزایش آگاهی و هم‌اندیشی، کلید حل مشکلات
- رفتارهای محیط زیستی باید نهادینه شود
- کیفیت زیست محیطی بافت در معرض تهدید قرار دارد
- من چه زمانی متولد شدم؟!
- گزارشی از وضعیت گونه‌های گیاهی در حال انقراض یزد
- معدن کاوی، زخمی بر پیکره یزد
- شیبخون سگ‌های ولگرد، مشکل جدید یزد
- یک شهر بی زباله
- مرگ حیات وحش یزد؛ جدال نابرابر با خشکسالی و شکار
- کوه‌بری در روستاهای تفت
- انسان، هارمونی طبیعت را به هم زده است

پرونده‌ای برای مشکلات محیط زیستی یزد

# افزایش آگاهی و هم‌اندیشی کلید حل مشکلات

استان یزد در میان فلات مرکزی ایران یکی از کم‌باران‌ترین استان‌هاست. استانی که با وجود چشم‌اندازهای کم‌نظیر طبیعی با مشکلات زیست‌محیطی زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. این مشکلات گستره وسیعی را از خشکسالی تا آلودگی در برمی‌گیرد. مشکلات را می‌توان به دو دسته مشکلات محیط زیستی و زیست‌محیطی شهری تقسیم کرده در این صورت مسائلی از قبیل، خشکسالی، آلودگی، زباله‌ها (تفکیک و بازیافت) انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری، معادن و... را شامل می‌شود.

عاطفه ابراهیمی



در این شماره از پرگار در قالب یک پرونده به بخش کوچکی از این مسائل پرداخته شده است. بدون شک پرداختن به تمام مشکلات محیط زیست و بررسی همه‌جانبه آن در قالب یک پرونده و یک شماره مجله نمی‌گنجد. کما اینکه هر یک از این مشکلات را می‌توان از دیدگاه‌های مختلفی بررسی کرد.

در این پرونده کوشیده‌ایم آغازگر راهی باشیم برای بهتر دیدن و توجه بیشتر به محیط زیست طبیعی و شهری استان یزد. معتقدیم باز شدن باب گفتگو در این باره و شنیدن نظرات مختلف می‌تواند راهگشا باشد. هر چند در سطح کلان به نظر می‌رسد عدم آگاهی، نداشتن برنامه‌ریزی صحیح و مدیریت منسجم و شاید در مواردی خلأهای قانونی، مانع از انجام برخی فعالیت‌های درست و همسو با حفظ محیط زیست می‌شود اما این پرونده تلنگری برای شروع راهی است که در نهایت می‌تواند به نتایج خوبی منجر شود.

تلاش کرده‌ایم در گزارش‌ها، نقطه نظرات افراد مختلف از میدان گرفته تا فعالان محیط زیست و استادان دانشگاه را مدنظر قرار دهیم، امید اینکه در آینده فرصت دیگری برای پرداختن به این موضوع فراهم شود.






رفتارهای محیط زیستی باید نهادینه شود

## نگاهی به سازوکارهای محیط زیستی در شهرهای بزرگ دنیا

محیط زیست در سطح جهانی و ملی در معرض تهدیدهای جدی است و این تهدیدها از گرم شدن زمین گرفته تا از دست رفتن تنوع زیستی و انواع آلودگی‌ها را شامل می‌شود. رشد بی‌رویه جمعیت، رشد صنعت و استفاده غیر اصولی از منابع طبیعی، نتایجی از جمله تخریب اراضی کشاورزی، آلودگی آب و هوا، کاهش منابع تولید انرژی و بروز انواع بیماری‌ها را موجب شده است. این تغییرات نه تنها آرامش و امنیت را از زندگی انسان می‌برد، بلکه سلامتی جامعه را نیز تهدید می‌کند. از این رو بحث‌های زیست محیطی به خصوص در شهرها، اکنون در محافل علمی از جدی‌ترین بحث‌هایی است که مطرح می‌شود.

مهتاب دره‌شیری 

و فعالیت‌های این کشورها در زمینه محیط زیست شهری می‌توان به اعمال قوانین دقیق بهداشتی، تمیز نگه داشتن آب و هوا و منتشر نکردن گاز گلخانه‌ای از تأسیسات مسکونی و تجاری اشاره کرد و نکته قابل توجه این است که حفاظت

گرفته است که در میان این کشورها، سوئد در جمیع شاخص‌ها به بالاترین رتبه دست یافته است و کشورهایی چون ایسلند، ژاپن و نروژ در صدر قرار گرفته‌اند، از کشور مادر این تحقیق نام برده نشده است. با نگاهی به برنامه‌ها

➤ نهادینه شدن رفتار محیط زیستی

در تازه‌ترین پژوهشی که یک مؤسسه سوئیدی انجام داده است، ۵۹ کشور جهان شامل ۲۱ کشور توسعه یافته و ۳۸ کشور در حال توسعه، مورد مطالعه قرار

این شهر پر جمعیت حل کرده است. همچنین با توسعه بزرگراه‌ها، فضا برای سفرهای سریع و آسان درون شهری، هموار شده است و با تغییر مهندسی و فضای سبز خیابان‌ها و استفاده از مترو و قطار شهری، توکیو مشکل آلودگی هوای ندارد.

در شهری چون پاریس هم برای مقابله با آلودگی هوا، مسی‌های ویژه دوچرخه در شهر گسترش داده شده و ۱۰ هزار پارکینگ دوچرخه در سطح شهر وجود دارد. پاریس با اجرای طرح ممنوعیت تردد برای خودروهای مدل ۱۹۹۷ و ماقبل از آن برای کاهش گازهای گلخانه‌ای گام برداشته است و تا سال ۲۰۵۰ قصد دارد، ۷۵ درصد این گازها را کاهش دهد. راه‌اندازی سیستم اتوبوس‌رانی به نام «مترو باس» با گنجایش بیشتر و آلاینده‌گی کمتر، دور کردن کارخانه‌ها و مراکز صنعتی از شهرها، پرداخت عوارض برای ورود به مناطق مرکزی شهر از برنامه‌های دیگر این کشورهای دوستدار محیط‌زیست است.

وجود کمپین‌های محافظ محیط‌زیست در کشورهای چون ژاپن بسیار مؤثر بوده است. به عنوان مثال کمپین «برچسب قرمز» که در تلاش است برای افراد مختلف از پیر تا جوان فرهنگ سازی کند. محور این فرهنگ سازی، به استفاده از برچسب قرمز روی کالاها و محصولاتی مرتبط است که قابلیت اشتعال دارند. در واقع این بسیار مهم است که شهروندان در هنگام انداختن زباله‌های خود در سطل‌های تفکیک، افزون بر جدا کردن زباله‌ها به انواع مختلف، قابلیت اشتعال این زباله‌ها را نیز مشخص کنند.

از محیط‌زیست همیشه در رفتار و کردار روزمره مردم این کشورها به صورت فرهنگی نهادینه شده و دولت‌ها نیز در به انجام رسیدن این مهم، نقشی اساسی دارند. حتی کودکان در این کشورها در مورد نحوه زندگی با طبیعت و حفاظت از آن آموزش می‌بینند و معتقدند که نگرش‌های محیط‌زیستی که در دوران کودکی شکل می‌گیرند، مادام‌العمر و تغییرناپذیر هستند. کودکان با کلماتی همچون محیط‌زیست آشنا هستند و نام گیاهان و حیوانات مناطق حفاظت شده را می‌دانند و قادرند بعضی از قوانین و شعارهای حفاظت محیط‌زیست را نام ببرند، مانند: "گل‌ها را نچینید"، "شاخه‌ها را نشکنید"، "زباله‌ها را در سطل بیندازید نه بر روی چمن‌ها" و "به پرندگان غذا دهید".

### آموزش محیط‌زیستی از سنین پایین

در کشورهایی همچون ژاپن نیز آموزش برای تفکیک زباله از سنین پایین آغاز می‌شود. در واقع دانش‌آموزان در دوره‌های آموزشی مختلف با فراگیری اصول بازیافت و تفکیک زباله، نه تنها اهمیت استفاده از این سیستم را درک می‌کنند، بلکه با اهمیت حفظ محیط‌زیست نیز آشنا می‌شوند. این مسئله تا حدی برای نظام آموزشی ژاپن حایز اهمیت است که در بخشی از دوره‌های آموزشی، کودکان در آزمون‌آشنایی با اصول تفکیک زباله شرکت می‌کنند. فرهنگ‌سازی در پایتخت پرجمعیت ژاپن طوری است که معمولاً کسی برای سفرهای روزانه از خودرو شخصی استفاده نمی‌کند و همین موضوع مشکل ترافیک را برای





و به معنای تلاش برای رفع آن مشکل نیست.

بسیاری از مردم می‌دانند که تردد خودروهای شخصی در سطح شهرهای بزرگ یکی از عوامل مهم و مؤثر در آلودگی هوا است اما به دلایل مختلف، حتی در آلوده‌ترین روزها نیز از خودروی شخصی استفاده می‌کنند. پس طبیعی است که یک کمپین اطلاع‌رسانی درباره علل آلودگی هوا به تنهایی نمی‌تواند باری از دوش آلودگی هوای شهرهای بزرگ بردارد. شاید هم به همین دلیل باشد که بسیاری از کمپین‌های کشور در حد یک تئوری باقی می‌ماند و هیچگاه تغییر زیادی از وجود این کمپین‌ها احساس نمی‌شود. در واقع کمپین‌ها نقطه آغاز هستند و پس از آن باید یکسری دستورالعمل‌های خاص اجرایی شود تا بتوان گفت این فعالیت‌های مردمی، نتیجه‌بخش بوده است. همراهی توأمان مردم، سازمان‌های مردم‌نهاد و دولت برای به ثمر رسیدن این کمپین‌ها ضروری است.

کشور ما در مقایسه با کشورهای نامبرده، قطعاً جایگاه قابل قبولی در زمینه محیط‌زیست ندارد ولی می‌توان با الگو قرار دادن فعالیت‌های کشورهای شاخص در این زمینه، از محیط‌زیست شهری کشور حفاظت کرد. به نظر می‌رسد این فرهنگ‌سازی باید از سنین پایین و از طریق آموزش صورت گیرد تا حداقل در ردیف کشورهایی چون سومالی و افغانستان که در قعر جدول حفاظت از محیط‌زیست، جا خوش کرده‌اند، قرار نگیریم.

## کمپین‌ها به تنهایی راهگشا نیستند

در کشور ما نیز با روشن شدن ابعاد مشکلات محیط‌زیستی شهری در جامعه، تنها راه‌حل تشکیل انواع کمپین‌ها در رسانه‌های اجتماعی بوده است. گروهی از این کمپین‌ها، مردم را دعوت به نوشیدن یک لیوان آب کمتر می‌کنند و عده‌ای دیگر از مردم می‌خواهند روزانه زباله کمتری تولید کنند. جمعی از هنرمندان نسبت به پراکنده شدن زباله در طبیعت ابراز نگرانی می‌کنند. بحث بر سر اینکه چنین کمپین‌هایی تا چه اندازه برای وضعیت فعلی محیط‌زیست ایران مفید هستند، سوالی است که ذهن فعالان و کارشناسان محیط‌زیست و مخاطبان همین کمپین‌ها را مشغول کرده است و گاهی با نفی کامل موضوع، ماهیت کمپین زیر سؤال می‌رود. به عنوان مثال، کمپین کاهش خرید گل که برای کاهش مصرف آب فعالیت می‌کرد، بعدها مورد انتقاد قرار گرفت و عنوان شد که این صرفه‌جویی چندان تغییری به وجود نخواهد آورد و لازم است تا به جای آن کاهش مصرف آب در کشاورزی و دامپروری مورد هدف قرار گیرد.

گاهی هم به نظر می‌رسد برخی فعالان محیط‌زیست تصور می‌کنند، برگزاری کمپین به خودی خود یک فعالیت محیط‌زیستی است. به همین دلیل تمام توان اجرایی و رسانه‌ای خود را صرف برپایی کمپین می‌کنند. در صورتی که کمپین، فقط دعوت از مردم به مشارکت در یک فعالیت بزرگ‌تر است و می‌توان گفت فلسفه‌اش اطلاع‌رسانی و آگاه کردن مردم از یک مشکل است

بسیاری از مردم می‌دانند که تردد خودروهای شخصی در سطح شهرهای بزرگ یکی از عوامل مهم و مؤثر در آلودگی هوا است اما به دلایل مختلف، حتی در آلوده‌ترین روزها نیز از خودروی شخصی استفاده می‌کنند.





کیفیت زیست‌محیطی بافت در معرض تهدید قرار دارد

## انباشت زباله در بناهای بی‌سروسامان بافت تاریخی

جمع‌آوری زباله در بافت تاریخی از تولید آن عقب مانده است

بافت تاریخی شهر یزد گنجینه‌ای از میراث ملموس و ناملموس تاریخی کشور است و از منظر فرهنگی دارای اهمیت فراوانی بوده چرا که با حافظه تاریخی و هویت اجتماعی ساکنان شهر پیوند خورده است. بافت تاریخی شهر و ساختمان‌های آن که روزگاری حیات و زندگی در آن جریان داشت، به تدریج و با تغییر سبک زندگی شهری، دچار فرسودگی شده و باعث شده این بافت دیگر رونق گذشته را نداشته باشد. یکی از مهم‌ترین عوامل ارتقای کیفی بافت‌های تاریخی، حفظ کیفیت زیست‌محیطی آن است چرا که تمیزی همیشه باعث می‌شود که یک محله یا منطقه همیشه سرزنده باشد و به آن هویت می‌بخشد. اما حالا سؤال اینجاست که آیا احیای هویت تاریخی، حفظ و نگهداری بافت تاریخی یزد منطبق بر نیازهای زیست‌محیطی ساکنین این منطقه است یا خیر؟

شادی شفیعی



فرهنگی و مصرفی شان متفاوت است. در بافت قدیم، عواملی چون تعداد بالای ساکنین مسن و سالخورده، بی سواد و کم سواد و بیشتر غیر بومی، سطح درآمدی پایین و نهایتاً شرایط نامناسب کالبدی بیشترین اثر را بر رفتار نامناسب دفع زباله ساکنین در این مناطق داشته است. از طرفی دیگر نحوه جمع آوری زباله ها از بافت تاریخی هنوز به شیوه سنتی انجام می شود. شاید باورش سخت باشد که در بافت تاریخی یزد هنوز به شیوه کارگر و گاری زباله ها جمع آوری می شوند.

#### ❖ بافتی خالی از سکنه بومی

بعضی از مسئولان شهری در خصوص جمع آوری زباله از بافت قدیم، بر این باورند که شهرداری در زمینه جمع آوری زباله ها کوتاهی نکرده است و از وسایل به روز و مکانیزه برای جمع آوری زباله بهره می گیرد، اما عرض کم معابر در درون بافت مانع از جمع آوری زباله به وسیله ماشین های مکانیزه می شود و علاوه بر این ناآشنایی ساکنان غیر بومی دلیل دوم و اصل این معضل است.

اما آنچه که مشخص است، این که در حال حاضر دو سه کوچه و خیابان از بافت تاریخی هرسال مرمت شده و مورد رسیدگی قرار می گیرد که این کوچه ها محل عبور گردشگران داخلی و خارجی هستند اما بقیه بافت به حال خود رها شده است. زندگی تغییر کرده و اگر حداقل های زیبایی بصری در بافت تاریخی یزد فراهم نباشد، جوانان شوقی به زندگی در این بافت ندارند و به سرعت آن را تخلیه می کنند کما اینکه این اتفاق ظرف چند سال گذشته اتفاق افتاده است و این تهدیدی برای بافت تاریخی است.

#### ❖ سرعت بالای تولید زباله در

#### بافت تاریخی

سال هاست که دنیا وارد عصر تکنولوژی شده است اما در بافت تاریخی شهر یزد هنوز کارگران با گاری هایشان زباله جمع می کنند. این گاری ها از سرعت تولید زباله عقب مانده و اکنون خانه ها، آب انبارها و بناهای بافت تاریخی یزد یکی یکی تبدیل به زباله دانی می شوند. در چند سال گذشته بافت تاریخی یزد دچار معضل بزرگی شده؛ انباشت زباله ها در بناهای تاریخی. از خانه آریایی، عرب مازار و بسیاری خانه های ثبت ملی شده گرفته تا آب انبارها و حتی بقعه های مقدس. به نظر می رسد که مردم به هیچ مخروبه ای رحم نمی کنند، بنا هر چقدر بی سر و سامان تر باشد، برای ریختن اشغال مناسب تر است.

#### ❖ ساکنان غیر بومی؛ مقصران

#### اصلی

بعضی از فعالان حوزه گردشگری معتقدند فرصت زندگی از بافت تاریخی یزد گرفته شده و وقتی امکانات و فرصت هایی که خارج از بافت تاریخی وجود دارد، در داخل بافت نباشد، طبیعی است که ساکنان از آنجا مهاجرت می کنند. واقعیت آن است که بافت تاریخی تا زمانی که ساکنانی داشت، سالم و پابرجا بود اما از زمانی که ساکنان آن خانه ها را خالی کرده اند، خانه های خالی یا مخروبه شده اند و به مکانی برای انباشت زباله تبدیل شده اند یا به اتباع بیگانه و مهاجران غیر بومی واگذار شده اند که این امر نیز مشکلات خاص خود را به دنبال دارد. این شرایط سبب شده تا بافت تاریخی یزد کم کم پویایی و نشاط خود را از دست بدهد. ساکنان بومی بافت تاریخی رفته اند و ساکنانی جدید شرایط

دو سه کوچه و خیابان از بافت تاریخی هرسال مرمت شده و مورد رسیدگی قرار می گیرد که این کوچه ها محل عبور گردشگران داخلی و خارجی هستند اما بقیه بافت به حال خود رها شده است.



## ❖ انباشت زباله در خانه‌های ویران

شده

بافت تاریخی یزد نیازمند امکاناتی متناسب با این بافت از جمله پارکینگ، روشنایی معابر، نظافت معابر، امکانات اطفای حریق، ساماندهی کوچه‌ها و خیابان‌ها، مرمت و بازسازی، امکانات به‌روز مخابراتی و ... است. دسترسی به این امکانات اولیه شهری حتی برای صاحبان بسیاری از خانه‌ها مقدور نیست در حالی که خانه‌های آنها یا ویران شده، یا در معرض ویرانی قرار گرفته و یا انبوهی از زباله و نخاله‌های ساختمانی توسط دیگر ساکنان در این خانه انباشته شده است. انباشته شدن زباله‌ها خود یکی از مشکلات بافت تاریخی است زیرا به‌ظاهر، تخلیه زباله از این بافت نظم‌چندانی ندارد و مردم برای رهایی از زباله‌های خود، آنها را در خانه‌های ویران رها می‌کنند.

## ❖ زباله‌دانی‌های بافت تاریخی

سوژه عکاسان

انباشت زباله علاوه بر اینکه مناظری ناخوشایند را برای گردشگران فراهم کرده باعث شده بوی بدی در برخی بخش‌های آن به مشام برسد که این امر نه تنها زندگی مردم را دچار مشکل می‌کند بلکه در حضور گردشگران خارجی، چهره جالبی ندارد و بیشتر برای آنها سوژه عکاسی شده است. بیش از ساختمان‌ها، آبنبارها در معرض انباشت زباله‌ها قرار گرفته، چرا که کاربری آنها کاملاً از بین رفته و ضمن اینکه به‌خاطر گودی، همیشه انبوهی از زباله‌های سبک و بادآورده در پله‌های پایینی آنها انباشته شده است، مردم نیز زباله‌های خود را برای فرار از بوی تعفن در ساختمان‌های ویرانه، به داخل آبنبار می‌اندازند.



❑ بعد از اینکه یزد به ثبت جهانی رسید، حجم فاضلاب در بافت تاریخی در حال افزایش است و هر چه که زمان می‌گذرد، سلامت ساکنین و گردشگران بیشتر در معرض خطر قرار می‌گیرد.

## ❖ فاضلاب تهدیدی جدی برای

بافت تاریخی

با به ثبت جهانی بافت تاریخی یزد، ساخت‌وساز هتل و بوم‌گردی نیز در این بافت افزایش یافت. به طوری که عده‌ای از فعالان حوزه گردشگری این حجم از ساخت‌وساز هتل و خانه‌های سنتی را تهدیدی برای محیط‌زیست شهری بافت تاریخی یزد می‌دانند. محسن عباسی هر هفته عضو دوره پنجم شورای اسلامی شهر یزد چندی پیش در خصوص وضعیت خطرناک فاضلاب و تهدید سلامت ساکنین بافت تاریخی شهر هشدار داده بود و آن را بزرگ‌ترین و نگران‌کننده‌ترین مسئله بافت دانست. وی معتقد بود که در طول سال‌های گذشته هیچ‌گاه برای بافت تاریخی، طرحی در خصوص فاضلاب و مدیریت آن طرحی اجرا نشده و همیشه جدای از شهر دیده شده که نیازمند نگاه جدی به آن است و بعد از اینکه یزد به ثبت جهانی رسید، حجم فاضلاب در بافت تاریخی در حال افزایش است و هر چه که زمان می‌گذرد، سلامت ساکنین و گردشگران بیشتر در معرض خطر قرار می‌گیرد.

## ❖ هشدار مسئولان شهری

در مردادماه سال جاری خطر رطوبت برای بافت تاریخی یزد و فاضلاب آن، از سوی محسن صادقیان معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار یزد مطرح شد و به‌عنوان تهدیدی جدی، مورد توجه قرار گرفت. سید مصطفی فاطمی مدیر کل پیشین میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان یزد نیز در این خصوص گفته بود که در سال‌های اخیر به دلیل اتصال فاضلاب خانه‌های بافت تاریخی به قنات‌ها، مشکلات مهمی در



بعضی از محل‌ها عجیب  
قابلیت جذب زباله دارند،  
مثل پایاب آب‌انبارها.  
باید برای این قبیل  
مکان‌ها برنامه‌های  
خاص و ویژه داشت.

گردشگری فرهنگ‌سازی در این حوزه را بسیار مهم می‌داد و ادامه می‌دهد؛ باید با یک سری اقدامات، برنامه‌ها و فعالیت‌های به‌اصطلاح نرم‌افزاری برای ساکنان بافت و لزوم توجه جدی‌تر به مقوله نظافت محیط پیرامونی را به آنها گوشزد کرد. هرچند که این کار هم زمان بر و هزینه‌تراش است اما مطمئناً در آینده جواب می‌دهد.

#### ❖ آب‌انبارها را تمیز کنند

او معتقد است که همکاری شهرداری و میراث‌فرهنگی نسبت به مسدود شدن خانه‌های خرابه‌ها و مکان‌هایی که محل تجمع زباله است، هم می‌تواند راهکار مناسبی برای کاهش زباله در بافت باشد و باعث می‌شود تا هم نمای بافت شکل زیباتری داشته باشد و هم از انباشت زباله توسط ساکنان در این محل‌ها جلوگیری شود. پور روستائی نظافت روزانه و مستمر در تمام مسیرها و کوچه‌ها حتی الامکان مسیرهای ویژه گردشگری و پرفرت‌وآمد را نیز راهکار مناسبی برای تمیزی بافت تاریخی شهر می‌داند و می‌گوید: بعضی از محل‌ها عجیب قابلیت جذب زباله دارند، مثل پایاب آب‌انبارها. باید برای این قبیل مکان‌ها برنامه‌ای خاص و ویژه داشت نه اینکه رفتگر کوچک را تا پای پله آب‌انبار جارو بزنند و داخل پایاب و راه‌پله‌ها را اصلاً جزو کوچک ندانند!

بافت تاریخی‌نگاهی ویژه و مددی مضاعف نیاز دارد. این راهنمای حوزه گردشگری در گفتگویی با پرگار با اشاره به این که بافت تاریخی هرچقدر هم مرمت شده و نووار باشد اما لبریز از زباله، دل‌هره‌زا و دیدکننده و رهگذری را می‌زند، تاکید می‌کند که نظافت و تمیزی بافت تاریخی و اهمیت دادن به مقوله نباید فقط ویژه ایام تعطیلات عید یا قبل از بازدید مسئولان مملکتی باشد. از نظر محمد پور روستائی آلودگی محیطی بافت تاریخی فقط مصالح ساختمانی به‌جا مانده از تخریب خانه‌ها و اماکن موجود در بافت نیست بلکه تجمع زباله‌ها و پسماندهای حاصل از زندگی ساکنان بافت هم کم‌آزاردهنده نیست مخصوصاً زباله‌هایی که به همان خانه خرابه‌ها سرازیر می‌شود.

#### ❖ نگاهی خلاقانه به نظافت بافت تاریخی

او در خصوص این موضوع که فعالان حوزه میراث و گردشگری چه راهکارهایی برای موضوع نظافت بافت تاریخی دارند، به پرگار می‌گوید: نظافت بافت تاریخی‌نگاهی ویژه و خلاق می‌طلبد، چرا که شرایط بافت تاریخی ویژه است. تا نوع نگاه و رویکرد در این قسمت عوض نشود همه این مشکلات ادامه خواهد داشت. این فعال حوزه

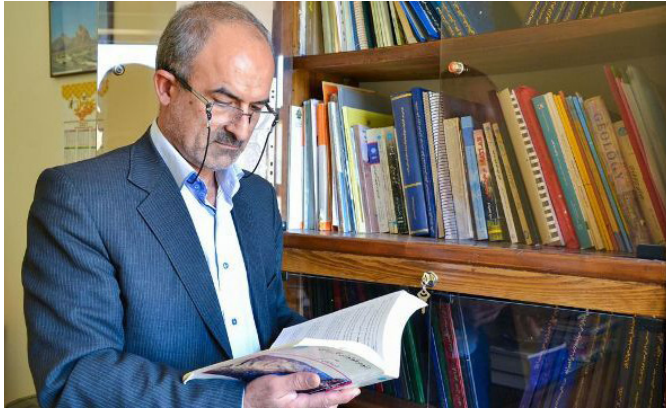
این زمینه به وجود آمده که در برخی مناطق به دلیل ریزش و مسدود شدن قنوات، سبب نفوذ بیشتر رطوبت در بافت تاریخی و تأثیر تخریبی در برخی بناهای تاریخی موجود در این بافت زنده و پویا شده است. جوکار نماینده مردم یزد در مجلس شورای اسلامی نیز از وضعیت انباشت زباله در بافت تاریخی یزد در گفتگویی با خبرگزاری مهر گلایه‌مند بود و وضعیت بافت تاریخی را در شأن فرهنگ تاریخی یزد ندانست و گفته که انباشته شدن زباله‌ها و نخاله‌های ساختمانی، ویران شدن خانه‌های بدون صاحب، ساکن شدن اتباع بیگانه در بافت تاریخی، پرسه‌زدن معتادان و اوباش در این بافت به هیچ‌وجه شایسته بافت تاریخی نیست و مردم و مسئولان باید با عزمی جدی به ساماندهی آن بپردازند.

#### ❖ بافت تاریخی، مکانی ویژه در شهر یزد

بارها و بارها دوستداران میراث‌فرهنگی و دلسوزان و علاقه‌مندان این حوزه از ضرورت توجه جدی به مقوله نظافت بافت تاریخی و نگاهی ویژه به این مسئله سخن رانده‌اند. حتی پیشنهاد شد تعدادی رفتگر فقط در این قسمت از شهر فعالیت داشته و در تمام طول ایام سال فقط مشغول نظافت بافت باشند. فعالان حوزه گردشگری بر این باورند که بافت تاریخی یزد مکانی ویژه در شهر ماست، هم به لحاظ نوع معماری و شهرسازی هم به لحاظ نوع و ترکیب جمعیتی فعلی ساکن در آن و هم از منظر گردشگری.

#### ❖ آلودگی محیطی بافت تاریخی

محمد پور روستائی فعال حوزه گردشگری بر این باور است که نظافت



## من چه زمانی متولد شدم!؟

محمدرضا اختصاصی 

استاد دانشکده منابع طبیعی و کوبرشناسی دانشگاه یزد

من در سالی متولد شدم که آب آشامیدنی و بهداشتی را با شلنگ ۵۰ متری از سه‌راهی کوچه به منبع ساروجی داخل خانه منتقل و سپس مصرف می‌کردیم. در ماهی متولد شدم که یکی از بچه‌های شیطان محله با میخ چند جای شلنگمان را که پدر با زحمت تهیه کرده بود سوراخ سوراخ کرده بود. و در روزی متولد شدم که برای نوبت گرفتن اتصال شلنگ و انتقال آب به خانه باید ۲ روز دیگر صبر می‌کردیم تا پس از آنگیری همسایه‌ها نوبتمان شود. به خاطر دارم پس از ۵ سال از تولدم به ما خبر دادند که قرار است آب لوله‌کشی به داخل منازل بیاید و دیگر از شر مشکلات شیر آب سر کوچه خلاص شویم. یادم است در آن سال‌ها روی درب کنتور آب نوشته بود «آب منطقه‌ای اصفهان و یزد». شاید در آن روز اصفهان و یزد و غیره معنی نداشت و همه تحت عنوان یک منطقه بودیم، نه یک نقطه ...

در سالی متولد شدم که عمق چاه آب در مرکز شهر یزد حدود ۴۰ گز یا نزدیک به ۴۰ متر بود ولی می‌گویند الان به ۷۰ متر رسیده و سالی حدود ۴۹ سانت پایین‌تر می‌رود. برادرم همواره می‌گفت تو متولد ۱۳۳۹ / ۱ / ۸ هستی و من ۴ سال و ۲ ماه و ۳ روز از تو بزرگ‌ترم. او زمانی متولد شده بود که هنوز شیر آب سر کوچه‌ها نصب نشده بوده و باید با دلو و سطل و چرخ چاه آب را از چاه‌ها می‌کشیدند.

راستی زمان چه زود گذشت و اعلام تاریخ تولد چه طولانی شد. با پوزش اگر کاری ندارید زود مطالبم را کات کنم که الان آب لوله‌کشی قطع می‌شود و حتی برای یک چای ساده هم آب نداریم ... خدانگهدار.





گزارشی از وضعیت گونه‌های گیاهی در حال انقراض یزد

## لیست سرخ؛ داغ انقراض گونه‌های گیاهی بر دل طبیعت یزد

با از بین بردن گونه‌های گیاهی، بخشی از تاریخ طبیعی را تخریب می‌کنیم

یزد، آرمیده در میان کویر، جایی که همزیستی مسالمت‌آمیز و دلنشین کویر و کوهستان چشم‌انداز کم‌نظیر طبیعی را به وجود آورده است. حرف از پوشش گیاهی که می‌شود فقط به یاد کویر و بیابان می‌افتیم اما واقعیت این است یزد، با همین پوشش گیاهی اندک و پراکنده، کلکسیون از گونه‌های بی‌نظیر گیاهی است. گونه‌هایی که بسیاری از آن‌ها در پرتو ناآگاهی و مدیریت ناصحیح در حال از بین رفتن است. گونه‌های دارویی و صنعتی استان یزد، نمونه‌هایی در نوع خود بی‌نظیر هستند. در این گزارش نگاهی انداخته‌ایم به قصه گونه‌های گیاهی در معرض خطر استان و تلاش‌هایی که برای احیای آن‌ها می‌شود.

عاطفه ابراهیمی



دادی گیاهی ایران محسوب می‌شود زیرا از میان ۷۵۰ گونه، بر اساس مطالعات صورت گرفته، حدود ۶۱۰ گونه آن در شیر کوه یافت می‌شود. یعنی ۷۰ درصد فلور استان در شیر کوه دیده می‌شود.

### ✚ آرام و بی‌صدا در حال انقراض

اگرچه در سال‌های اخیر به لطف همراهی فعالان محیط‌زیست به گونه‌های جانوری در حال انقراض، کمی توجه شده است اما گونه‌های گیاهی از نگاه‌های حفاظتی دور مانده‌اند. محمدحسین ایران‌نژاد می‌گوید: گونه‌های گیاهی در معرض خطر، کمتر شناخته شده هستند و کمتر درباره آن‌ها و خطراتی که تهدیدشان می‌کند صحبت می‌شود در نتیجه در سکوت سنگینی از دست می‌روند. واقعیت این است نه در محیط‌های علمی و نه در جوامع محلی کسی نسبت به این موضوع حساسیتی نشان نمی‌دهد. این استاد دانشگاه تأکید می‌کند: در سایه عدم آگاهی و شناخت شاید آخرین بوته گون شیر کوهی در منطقه را از بین ببریم و ندانیم که آخرین بوته هست. ایران‌نژاد درباره اهمیت حفظ گونه‌های مختلف گیاهی می‌گوید: هر گونه گیاهی حاصل مجموعه‌ای از فرایندهای اکولوژیکی است که در نهایت به یک ژنوم خاصی می‌رسد که با سایر گونه‌های گیاهی متفاوت است. پس وقتی یک گونه را از بین ببریم یعنی بخشی از تاریخ طبیعی را از دست داده‌ایم. او ادامه می‌دهد: مشکل اصلی عدم شناخت است. بسیاری از گونه‌هایی که از بین رفته به علت دانش کم بشر درباره خواص آن بود است. به‌عنوان مثال در گذشته گیاهی به نام سرخدار در سطح وسیع توسط چوپانان از بین می‌رفت زیرا به تجربه دریافته بودند که سمی است و

محمدحسین ایران‌نژاد پاریزی عضو هیئت علمی دانشکده منابع طبیعی و کویرشناسی، گروه محیط‌زیست دانشگاه یزد مطالعاتی در سطح استان در خصوص تنوع زیستی در حیات وحش و گیاهان با تأکید بر مناطق حفاظت شده استان انجام داده است. ایران‌نژاد می‌گوید حدود ۷۵۰ گونه گیاهی در سرتاسر استان یزد وجود دارد. آن چه اهمیت دارد این است که برخی از این گونه‌ها، خاص مناطق بیابانی هستند اما در سال‌های گذشته از تراکم آن کاسته شده است از جمله آنغوزه که از آن بهره‌برداری اقتصادی می‌شده است. این استاد دانشگاه افزود: از میان گونه‌های گیاهی موجود در استان، حدود ۱۲۰ گونه انحصاری ایران هستند. از میان این گونه‌ها، تعدادی در استان یزد در معرض خطر هستند. گل بی‌مرگ شیر کوهی، آروانه یزدی، پونه‌سای یزدی، گون شیر کوهی، اسکنبیل یزدی و اسکنبیل طبسی به‌عنوان برخی از گونه‌های در معرض خطر انقراض در استان هستند. او همچنین از گونه‌های شور پسند استان نام می‌برد و می‌گوید: در استان یزد به علت شرایط اقلیمی، گونه‌های شور پسند زیاد است که کمتر شناخته شده‌اند و البته مورد تهدید هم هستند. از جمله شور ابرقویی که پراکنش کمی دارد و در معرض خطر است.

### ✚ شیر کوه، کانون بوم دادی گیاهی

مطالعات صورت گرفته در خصوص تنوع گیاهی در شیر کوه یزد نشان می‌دهد این منطقه از لحاظ پوشش گیاهی از مناطق بسیار مهم و البته حساس یزد است. استادیار دانشکده منابع طبیعی و کویرشناسی در این زمینه می‌گوید: در استان یزد حوزه شیر کوه کانون بوم



گونه‌های گیاهی در معرض خطر، کمتر شناخته شده هستند و کمتر درباره آنها و خطراتی که تهدیدشان می‌کند صحبت می‌شود.

به طبیعت شده است. علاوه بر افزایش اطلاعات در این زمینه، مسئولان نیز باید سرمایه گذاری کرده تا طبیعت گردی در قالب مدیریت شده و کم خطر اتفاق بیفتد.

### ❖ لیست سرخ سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی

لیست سرخ گونه های در معرض خطر سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی که در سال ۱۹۶۳ به وجود آمد جامع ترین لیست وضعیت نگهداری از منابع طبیعی گیاهی و جانوری است. این لیست قرمز (لیست داده های سرخ) بر روی ضوابط دقیقی جهت ارزیابی خطر انقراض هزاران گونه و زیر گونه استوار شده است. این ضوابط مربوط به همه گونه هادر تمام مناطق دنیا می شود.

اصغر مصلح آرانی عضو هیئت علمی دانشکده منابع طبیعی و کویرشناسی، گروه محیط زیست دانشگاه یزد در این زمینه می گوید: گونه های انحصاری بر حسب وضعیت حفاظتی آنها به چهار گروه تقسیم می شوند: در معرض انقراض، آسیب پذیری بالا در برابر انقراض، آسیب پذیر در برابر انقراض و کم خطر در برابر انقراض. نتایج تحقیقات نشان داد که از بین گونه های شناسایی شده در استان یزد، ۱۲۰ گونه گیاهی آن انحصاری ایران می باشند. این گونه ها متعلق به ۷۵ جنس و ۲۲ تیره گیاهی هستند. ۱۴ گونه گیاهی از گونه های مورد مطالعه فقط در استان یزد دیده می شوند که جنس شکر تیغال با ۳ گونه گیاهی بیشترین تعداد گونه را به خود اختصاص می دهد. از این تعداد چهار گونه در وضعیت آسیب پذیر، دو گونه در وضعیت کم خطر و ۸ گونه در وضعیت کمبود اطلاعات قرار دارند. از میان گیاهان بومی حدود ۲۰ گونه در لیست

گوسفندهایی که از آن تغذیه می کنند مسموم می شوند در نتیجه هر کجا داسی به همراه داشتند آن ها را از بین می بردند. سال ها طول کشید تا دانش بشر به آنجا رسید که بفهمد از تنه این درخت ماده ای به دست می آید که ضد سرطان است و در درمان این بیماری کمک می کند. داستان سایر گونه ها نیز به همین شکل است یعنی هنوز دانش ما به آنجا نرسیده چه بسا یک بوته یا یک گل یک داروی قوی و یا حتی غذای آینده بشر باشد. آنچه اهمیت دارد این است که این ها حاصل هزاران سال زحمت طبیعت است پس نباید به این راحتی آن ها را از دست بدهیم تا شاید روزی سواد و دانش و تکنولوژی به جایی برسد که بتوانیم از آن ها استفاده کنیم.

### ❖ معادن، مقصداصلی

از این عضو هیئت علمی درباره مقصداصلی تخریب گونه های گیاهی سؤال کردم به نظر او اگر چه تأثیر خشکسالی ها به وضوح قابل مشاهده است و بسیاری از رویشگاه های طبیعی در حال خشک شدن هستند، عواملی مانند چرای بی رویه دام نیز مؤثر است. با این حال ایران نژاد می گوید: اما دو عامل خطرناک اصلی یکی معادن سطح استان هستند که تعداد زیادی از آن ها برای ایجاد جاده و مسیرهای دسترسی، در سطح گسترده پوشش طبیعی منطقه را تخریب می کنند. علاوه بر این ریزگردهای حاصل از این معادن بر روی پوشش گیاهی منطقه می نشیند و همین موضوع نیز از دلایل تخریب هست.

او اضافه می کند: مشکل بعدی موضوع گردشگری و اکوتوریسم است که اگر چه نسبت به معادن روش سازگاری با طبیعت است اما بی برنامه بودن آن باعث لطماتی



عامل خطرناک اصلی یکی معادن سطح استان هستند که تعداد زیادی از آنها برای ایجاد جاده و مسیرهای دسترسی، در سطح گسترده پوشش طبیعی منطقه را تخریب می کنند.



شباهت را با رویشگاه‌های این گونه‌ها دارد را انتخاب و نسبت به کشت نهال‌ها اقدام شود. این قدم‌ها می‌تواند در احیای بسیاری از این گونه‌ها که در لیست سرخ هستند مؤثر باشد.

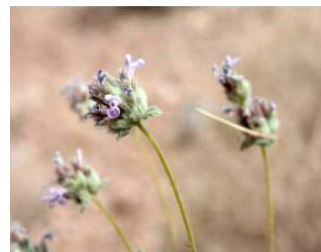
### ❖ بذر پاشی با کمک محیط بانان در مناطق حفاظت شده استان

رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان مهریز به مطالعات صورت گرفته در خصوص تنوع گیاهی در مناطق حفاظت شده استان اشاره می‌کند و می‌گوید: این مطالعات نشان می‌دهد ۱۲۰ گونه گیاهی انحصاری کشور در یزد نیز وجود دارد. برخی از این گونه‌ها شامل گیاهان خودرو و دارویی در معرض خطر انقراض هستند. محمدرضا خواجه در پاسخ به این سؤال که اداره حفاظت محیط زیست چه نقشی در این زمینه دارد گفت: در مناطق حفاظت شده که تحت مدیریت محیط زیست است از تخریب و آتش سوزی محافظت می‌شود. به‌عنوان مثال منطقه حفاظت شده کالمند بهادران ۲۲۹ هزار هکتار تحت مدیریت اداره حفاظت محیط زیست شهرستان مهریز قرار دارد که بذر گونه‌های مختلف در اختیار محیط بانان قرار داده می‌شود تا آن را در زمین بنشانند. رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان مهریز به شرایط اقلیمی استان اشاره می‌کند و می‌گوید: اگر چه با همراهی محیط بانان بذر بسیاری از گیاهان در مناطق حفاظت شده پراکنده می‌شود اما رسیدن به نتیجه مطلوب مشروط به بارش‌های خوب به صورت متوالی است. متأسفانه خشکسالی‌های چند سال اخیر استان این موضوع را تحت تأثیر قرار داده است. او ادامه می‌دهد: سایر شهرستان‌ها نیز به

سرخ هستند. وی ادامه می‌دهد: با توجه به شرایط سخت کویری و گرمای حاکم بر استان و از طرفی کمی و پراکندگی نامناسب بارندگی و وزش بادهای شدید بخش از مساحت استان را اراضی لخت و فاقد پوشش گیاهی مانند اراضی کویری و بیابانی در برمی‌گیرد بقیه آن نیز زیر پوشش گیاهی پراکنده و عملاً تنک زیر ۱۰ درصد قرار دارد.

### ❖ اگر حمایت شود، گونه‌ها را احیا می‌کنیم

این عضو هیئت علمی دانشگاه که طی دو سال گذشته بر روی احیای پوشش گیاهی بخشی از منطقه حفاظت شده کالمند بهادران کار کرده است می‌گوید: این طرح با استفاده از دو گونه گیاهی لیست سرخ ایران (پونه‌سای کرک ستاره‌ای و پونه‌سای یزدی) انجام شد و نتایج مثبتی داشت. در صورتی که از این طرح حمایت مادی شود می‌توان سایر گونه‌ها را نیز به همین روش احیا کرد. مصلح آرانی با اشاره به نتایج رضایت بخش احیای دو گونه در لیست سرخ ادامه داد: استان یزد شرکت‌ها و کارخانه‌های بزرگی دارد که می‌توانند در راستای مسئولیت اجتماعی‌شان به مادر احیای سایر گونه‌ها نیز کمک کنند. او تأکید می‌کند: با توجه به اینکه در طرح قبلی، شناسایی رویشگاه‌ها و پراکنش گونه‌های لیست سرخ استان یزد صورت گرفته است، در صورت حمایت مادی از طرح می‌توان ابتدا بذرهای گونه‌های مختلف را از رویشگاه‌های طبیعی در استان جمع‌آوری و پس از کاشت در گلخانه‌های پژوهشی و رویش نهال، بر اساس خصوصیات اکولوژیکی گونه‌های مورد مطالعه، مناطقی که بیشترین



استان یزد شرکت‌ها و کارخانه‌های بزرگی دارد که می‌توانند در راستای مسئولیت اجتماعی‌شان به مادر احیای سایر گونه‌ها نیز کمک کنند.

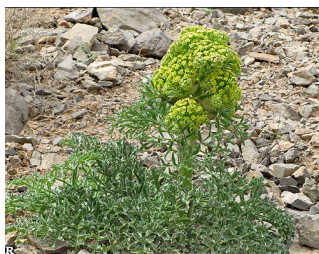
همین ترتیب دارای مناطق حفاظت شده با مساحت‌های گوناگون هستند که بحث حفاظت گیاهان در حال انقراض در آن مطرح است. اداره حفاظت محیط زیست در این مناطق مسائل حفاظتی را رعایت می‌کند. البته موفقیت در این زمینه مشروط به همراهی شرایط اقلیمی است. همچنین باید توجه داشت عرصه‌های خارج از این مناطق در اختیار مناطق طبیعی استان است.

#### ❖ ده درصد سطح استان،

#### ذخیره گاه گونه‌های گیاهی

ادارات حفاظت محیط زیست در استان مسئول حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری در مناطق حفاظت شده هستند اما عرصه‌های خارج از این مناطق تحت مدیریت منابع طبیعی و آبخیزداری استان است. از مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان یزد در خصوص نقش منابع طبیعی در حفظ گونه‌های گیاهی در خطر استان پرسیدیم.

محمدرضا آخوندی می‌گوید: مراتع استان یزد هر چند به لحاظ پوشش گیاهی عمدتاً در رده متوسط و ضعیف قرار دارند اما دارای نقش مهمی در حفظ خاک و دارای ارزش‌های اکولوژیکی است. مهم‌ترین گونه‌های موجود در مراتع استان درمنه دشتی، قیچ، گون و علف می‌باشد که بسیاری از آن‌ها دارای خواص دارویی و صنعتی است. مساحت جنگل‌های استان اگر چه کم، اما شاخص و بارز هستند، گونه‌های جنگلی مثل سنو، بنه، ارس و نیز تاغ‌زارها دست کاشت از ارزش بالای طبیعی برخوردار است. درختان کهن سال استان یزد نیز در نوع خود به لحاظ قدمت، کم‌نظیر و ارزشمندند. آخوندی با تأکید بر این‌که وظیفه اصلی منابع طبیعی



مساحت جنگل‌های استان اگر چه کم، اما شاخص و بارز هستند، گونه‌های جنگلی مثل سنو، بنه، ارس و نیز تاغ‌زارها دست کاشت از ارزش بالای طبیعی برخوردار است.

مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان به بهره‌برداری از این گیاهان اشاره کرد و افزود: برای برداشت گیاهان خودرو و گیاهان در معرض انقراض از جمله برداشت آنگوزه، کتیرا و سایر گیاهان نیاز به مجوز از منابع طبیعی است و پروانه بهره‌برداری صادر می‌شود. باتوجه به اینکه تغییر شرایط اقلیمی و خشکسالی از اصلی‌ترین عوامل تهدید این گونه‌های گیاهی است، قطعاً در سال‌هایی که خشکسالی‌های پی‌درپی رخ می‌دهد برای مدیریت این موضوع، برداشت این گیاهان به عنوان مثال آنگوزه در کل استان ممنوع شده و قرارداد جدیدی با بهره‌برداران بسته نخواهد شد. همین مسئله در خصوص پروانه چرای دام نیز صدق می‌کند.



تخریب منابع طبیعی و نابودی پوشش گیاهی؛ هدیه معدن کاران به یزد

## معدن کاوی، زخمی بر پیکره یزد

بهره‌برداری از معادن و معدن کاوی در مناطق مختلفی از استان یزد باعث تخریب بخش زیادی از منابع طبیعی و پوشش گیاهی در مراتع استان شده و حتی اعتراض مردم و روس‌تائیان رانیز برانگیخته اما تنها هدیه معدنکاران به مردم همین تخریب منابع طبیعی و زیست محیطی است.

ابوالفضل محمدی





و عمیقی ندارند و این موضوع ممکن است موجب تخریب منابع طبیعی و خدادادی می شود.

فعالیت‌های معدنکاری همواره باعث ایجاد مشکلات زیست محیطی بوده که می‌تواند اکوسیستم و سلامت انسان را هم به خطر بیندازد اما به لحاظ سودآوری اقتصادی از خطرات زیست محیطی فعالیت معادن غفلت شده است. به اذعان کارشناسان، مواد معدنی مختلف بسته به شرایط دارای آثار و پیامدهای زیست محیطی متفاوتی هستند و به دلیل داشتن اثرات تخریبی از جمابه تولید زهاب اسیدی، فرسایش و تخریب ساختار خاک، نشست در سطح زمین، از دست رفتن تنوع زیستی محل، آلودگی آبهای سطحی و زیرزمینی، آلودگی هوا و نظایر آن نیازمند توجه ویژه‌ای هستند.

از سویی سد‌های باطله از مهم‌ترین سازه‌های هیدرولیکی برای جمع‌آوری و نگهداری پساب‌ها و مواد باطله حاصل از فرایند تغلیظ در کارخانه‌های فرآوری مواد معدنی می‌باشد. باطله‌های معدنی حاوی ترکیب‌های مختلف شیمیایی بوده که در عملیات فرآوری به مواد معدنی اضافه می‌شوند و حتی باتوجه به نوع کانسار و مواد معدنی استخراجی می‌توانند حاوی عناصر سمی مختلفی باشند.

#### ❖ معدن کاوی منجر به فقر و نابودی طبیعت می‌شود

یک فعال محیط‌زیست استان یزد در این باره به پرگار گفت: معدن کاوی بی ضابطه منجر به فقر و نابودی منابع طبیعی و تخریب رویشگاه‌ها و زیستگاه‌ها می‌شود و با ادامه یافتن این روند زندگی انسان نیز مختل خواهد شد.

معدن کاوی بی ضابطه منجر به فقر و نابودی منابع طبیعی و تخریب رویشگاه‌ها و زیستگاه‌ها می‌شود و با ادامه یافتن این روند زندگی انسان نیز مختل خواهد شد.



به گزارش خبرنگار پرگار، بهره‌برداری از برخی معادن فاقد توجه زیست محیطی است و می‌توان گفت خسارت وارده بر منابع طبیعی که برداشت در دل کوه‌ها و بدون مطالعه انجام می‌شود، بیشتر از منافع آن است و باعث تخریب بیشتر محیط زیست، زیستگاه جانوران، مراتع گیاهی و آلودگی آب‌وهوا و در پی آن بروز بسیاری از بیماری‌ها شده است. بر کسی پوشیده نیست دستگاه‌هایی که برداشت معادن موافقت می‌کنند قبل از موافقت در منطقه‌ای که قرار است معدن ایجاد شود امکان مطالعه و بررسی جدی

این سال‌ها چیزی جز تخریب و نابودی به دنبال نداشته است. بسیاری از معادن که با دریافت پروانه بهره‌برداری، فعالیت‌های خود را آغاز کرده‌اند پس از تخریب یک منطقه وسیع و به‌هم‌ریختن منظر گاه و در هم شکستن تعادل آن منطقه متوجه می‌شوند که مواد معدنی مورد نظرشان در آن منطقه وجود ندارد و متأسفانه منطقه تخریب شده را به همان شکل‌ها می‌کنند و هیچ‌گونه تلاشی برای ترمیم قسمت‌هایی که خودشان تخریب کرده‌اند انجام نمی‌دهند. هر چند معدن‌کاوی برای یک عده قلیل ایجاد درآمد می‌کند اما برای تعداد کثیری از ساکنان یک منطقه به جز رنج و مشکلات چیزی به دنبال ندارد.

#### ❖ بی‌توجهی نهادهای مرتبط

به گفته فعالان محیط‌زیست، سازمان صنعت، معدن و تجارت همچنین وزارت نیرو، سازمان جنگل‌ها و مراتع و سازمان حفاظت محیط‌زیست درباره دادن مجوز و موافقت‌های اولیه برای احداث معادن باید بررسی‌های دقیق داشته باشد اما این موضوع تاکنون مورد توجه نبوده و در مواردی هم که اطلاع درستی از وضعیت منطقه و حتی پیامدهای آن ندارند توپ را به زمین دیگری انداخته و در نهایت دست به دامان ماده ۱۰۰ می‌شوند.

به گفته یک فعال محیط‌زیست، طمع و زیاده‌خواهی برخی از سرمایه‌گذاران در امور معدن از یک سو و از سوی دیگر بی‌دقتی و کم‌کاری سازمان‌های مرتبط در خصوص صدور مجوزهای معدنی در مناطق مختلف موجب شده که تعادلات طبیعی در بسیاری از مناطق به هم بخورد. عباس ایزدی در این باره اظهار داشت: احداث معادن در روستاهای استان به‌ویژه در مناطقی که سفره آبی بوده و آب قنوات

مصطفی منتظری با بیان اینکه در حال حاضر ارزشمندترین مناطق کوهستانی و حتی دشت‌ها به برداشت مواد معدنی اختصاص داده شده و می‌توان گفت معدن‌کاوی و فعالیت در حوزه معدن در کشور و به‌ویژه در استان‌های یزد و کرمان در شرایط کنونی بیش از پیش گسترش یافته است. وی با ابراز تأسف از بدون در نظر گرفتن ضوابط زیست‌محیطی و کارکردهای اکولوژی اکوسیستم‌های کوهستانی برای انجام فعالیت‌های معدنی به‌ویژه در محل تغذیه آبخوان‌ها در برداشت از سنگ‌های معدنی افزود: تخریب مناطق ارزشمند و از بین رفتن پوشش گیاهی و اختلال در اکوسیستم حیاتی منطقه نخستین دستاوردهای معدن‌کاوی است. منتظری با اشاره به توسعه معادن به‌ویژه شن و ماسه گفت: ضایعات معدنی حاصل از انجام این اقدامات باعث تخریب صدها هکتار از رویشگاه‌ها و زیستگاه‌ها شده و نیاز است که این‌گونه اقدامات ساماندهی شود. وی با تأکید بر اینکه می‌توان به‌راحتی در کنار معادن سنگ برای تولید شن و ماسه هم اقدام کرد ادامه داد: در کنار معادن سنگ باید دستگاه‌های سنگ‌شکن تعبیه کنند و از ضایعات همین معادن برای تأمین نیازهای شن، ماسه و دیگر مصالح ساختمانی بهره‌برند تا با این کار تخریب کمتری هم در طبیعت صورت بگیرد. به ادعای بسیاری از کارشناسان و فعالان زیست‌محیطی، افرادی که در مراحل اولیه راه‌اندازی معادن برای کسب مجوزهای بهره‌برداری از معادن تلاش می‌کنند، هیچ توجهی به پیامدهای ناشی از انجام این اقدامات بدون در نظر گرفتن ضوابط ندارند و از سویی قوانین و مقرراتی هم که داریم به‌درستی اجرایی نشده و در



طمع و زیاده‌خواهی برخی از سرمایه‌گذاران در امور معدن از یک سو و از سوی دیگر بی‌دقتی و کم‌کاری سازمان‌های مرتبط در خصوص صدور مجوزهای معدنی در مناطق مختلف موجب شده که تعادلات طبیعی در بسیاری از مناطق به هم بخورد.

امروز برای زندگی به حاشیه شهرها پناه بردند تا جایی که در بسیاری از روستاها تعداد ساکنان به کمتر از تعداد انگشتان ۲ دست می رسد و حتی در روستایی نزدیکی بافق تنها یک نفر ساکن روستایی داریم. با همه این اوضاع کسی توجه ندارد که باز بین بردن محیط زیست و منابع طبیعی تیشه به ریشه خودمان می زنیم، غافل از اینکه معدن کاوی و سایر اتفاقاتی که در طبیعت رخ می دهد و معضلات معیشتی برای مردم ایجاد می شود ناشی از تفکر بخش دولتی است.

کارشناسان حوزه طبیعت سال هاست که توصیه های لازم در خصوص مضرات و خسارت های ناشی از معدن کاوی بی ضابطه را مطرح می کنند اما متأسفانه گوش شنوایی برای حل این مشکلات وجود ندارد. توسعه پایدار و طرح های مربوط به آمایش سرزمین هم تنها در حد یک حرف باقی مانده و هیچ گاه عملی نشده و اقداماتی که تاکنون در خصوص معدن کاوی در کشور ما انجام شده نتیجه ای جز آسیب رساندن به محیط زیست و منابع طبیعی به دنبال نداشته است. البته نباید فراموش کرد که برخی از صاحبان معادن در کشور، صاحبان نفوذ و قدرت در عرصه سیاسی و اقتصادی هستند و به جای قانون مداری، خودشان پیش قراول معدن کاوی بی ضابطه شدند و به این امر دامن زده اند. نکته پایداری این است که مسئولین باید به پیامدهای عملکردهای نامطلوب گذشته در باب تاراج ارزش های سرزمینی و از بین رفتن بوم سازگان مرتفع حیات بخش که تمام زندگی مان وابسته به آنهاست، توجه بیشتری کنند و با مدنظر قرار دادن عملکرد گذشته تدابیر لازم را برای حل این مشکلات اتخاذ کنند.

پایین دست را هم تأمین می کنند سکونت آن منطقه را به شدت تحت تأثیرات منفی خود قرار داده که نمونه بارز آن در دهستان های شهرستان تفت و مهریز به وضوح دیده می شود.

او با انتقاد از بی توجهی مسئولان امر در برابر این اقدامات عنوان کرد: متأسفانه در حال حاضر افرادی که با ترجیح منافع شخصی خود اقدام به احداث این معادن می کنند و حتی سازمان های که مجوز انجام این گونه اقدامات را می دهند به هیچ وجه مورد بازخواست قرار نمی گیرند. ایزدی در ادامه با اشاره به اینکه برداشت های معدنی و معدن کاوی ها تخریب رویشگاه ها و زیستگاه ها، نابودی منابع آب، خاک و هوارا به دنبال دارد و علاوه بر آن زندگی ساکنان مناطق راتحت تأثیر قرار می دهند اظهار کرد: معدن کاوی با چنین روش هایی بیش از آنکه بازدهی مطلوبی از نظر اقتصادی داشته باشد موجب از بین رفتن شور و حال زندگی در مردم، می شود و به جای منفعت بیشتر، ضرر و آسیب جبران ناپذیری به دنبال دارد که بارزترین و غنی ترین مواد معدنی سرزمینمان را با قیمتی بسیار ناچیز به کشورهای دیگر به فروش می رسانیم.

علاوه بر این ها، معدن کاوی به راحتی و کاملاً ناخواسته خط تراز آب های زیرزمینی را به هم می زند و در حال حاضر خط تراز ایستایی آب های زیرزمینی بافت بسیار فاحشی روبرو شده که این اتفاق ادامه فعالیت برای کشاورزان را با مشکل روبرو کرده و باعث مهاجرت روستاییان و تبدیل آبادی ها به مخروبه شده است. وی اضافه کرد: روستاییانی که سال ها زندگی و معیشت کشاورزی خود را هوشمندانه و بر اساس یک دانش بومی دیرینه در سخت ترین شرایط اقلیمی رقم زده بودند،



کارشناسان حوزه طبیعت سال هاست که توصیه های لازم در خصوص مضرات و خسارت های ناشی از معدن کاوی بی ضابطه را مطرح می کنند اما متأسفانه گوش شنوایی برای حل این مشکلات وجود ندارد.





سگ‌های ولگرد از حاشیه شهر تا قلب بافت تاریخی

## شیخون سگ‌های ولگرد، مشکل جدید یزد

در سال‌های اخیر بحث حمایت و حفاظت از حیوانات در داخل و حاشیه شهرها منجر به شکل‌گیری سلسله مباحثی به خصوص در فضای مجازی شده است. برخی معتقدند باید با حیوانات مهربان و بود در هر شرایطی به آن‌ها غذا داد و در مقابل برخی معتقدند غذا دادن به گربه و سگ‌های ولگرد توازن جمعیتی آن‌ها را به هم خواهد زد.

فاطمه رهبر 

که تأمین‌کننده غذای حیات وحش بود به راحتی تهدید شد و پس از آن گونه‌های گوشت‌خوار نیز مورد تهدید قرار گرفتند، گونه‌هایی مهم مانند پرنس‌گان بومی، روباه‌ها و ... حتی پلنگ که بسیار اهمیت دارد از سوی سگ‌های ولگرد تهدید شد و حتی اخباری به گوش رسید که سگ‌های ولگرد به آهوان یزد حمله کردند، بعداً گونه‌های دیگری شکار شدند.

به گرگ‌ها تکذیب شدند و گونه‌های سگ‌های ولگرد در این حوادث خونین شناسایی شدند، البته بسیار دیر، درست زمانی که جان کودکی در میبد گرفته شده بود.

محیط شهر، اولین و در تیررس‌ترین هدف سگ‌های ولگرد شد، وقتی سگ‌های باهوش آموختند چگونه باهم گروهی شکار کنند و چگونه به محیط زیست حمله کنند. طعمه‌هایی

«سگ‌های ولگرد کودکی را در میبد دریدند...» تا زمانی که چنین خبر تلخی به گوش مردم یزد نرسیده بود گرگ‌ها متهمان ردیف اول دریده شدن گوسفند‌های روستاییان در حاشیه شهرها و روستاها بودند، تمام افکار به سمت حمله گرگ‌ها کشیده می‌شد و باورها بر این بود که گرگ‌ها در حال نزدیک شدن به شهرها هستند اما دیری نگذشت که بسیاری از اخبار مربوط

## ✚ گرگاس معضل جدید محیط زیست

مدیر کل حفاظت محیط زیست استان در این خصوص اظهار کرده بود: طی چند سال اخیر شاهد افزایش جمعیت گونه مهاجم سگ ولگرد در حاشیه و داخل مناطق تحت مدیریت محیط زیست بوده ایم و متأسفانه شواهد و مستندات زیادی در خصوص حمله سگ های بلاصاحب و شکار گونه های مختلف جانوری از جمله آهوی ایرانی، بز وحشی، گوسفند وحشی، یوز، گربه وحشی و کاراکال به ثبت رسیده است. نیره پورملائی گفته است: علاوه بر آن به تازگی گزارشی از آلودگی یک رأس قوچ وحشی به نوعی انگل مغزی نیز در استان ثبت شده است که این انگل به وسیله سرگین سگ های ولگرد و سگ های گله در سطح استان قابل انتشار است و بیم آن می رود که آلودگی انگلی جدید و گسترده ای را به دام و حیات وحش استان تحمیل کند. در نهایت نیز گرگ هادر دام این شکارچیان ماهر و باهوش افتادند و وارد زادوولد با سگ های ولگرد قرار گرفتند. از بین رفتن گونه های هیبرید تهدید جدیدی برای محیط زیست دست نخورده و مهم یزد بود که متأسفانه برای آن هیچ راهکاری نداشتند. مدیر کل حفاظت محیط زیست استان نیز در این باره یادآور شده بود که علاوه بر آن هیبریدهای سگ های ولگرد با حیات وحش گوشت خوار نظیر گرگ و شغال، پدیده گرگاس (سگ گرگ) را به معضلات محیط زیست اضافه کرده است.

وی تاکید کرده بود که جهت حفظ تنوع زیستی استان ضرورت دارد تمام دستگاه های مربوطه نسبت به کنترل جمعیت سگ های ولگرد اقدامات لازم

را انجام داده و در خصوص سگ های گله نیز پیشنهاد می شود تا صاحبان گله ملزم به واکسیناسیون، عقیم سازی و حتی استفاده از نژادهای خاصی از سگ های محافظ گله (نژادهایی که به گوشت خواران حمله نکنند) شوند.

روستاییان در رأس حمله ها و تهدیدات سگ های ولگرد قرار گرفتند، روستاهایی در میبد، مهریز خاتم و ... مورد حمله گاه گدار سگ ها بودند، «عظم حبیبی پور» معاون فنی اداره کل حفاظت محیط زیست استان یزد با اشاره به گزارش های مردمی به ویژه در روستاهای شهرستان مهریز مبنی بر حمله حیوان وحشی به دام هایشان، اظهار کرده بود: یگان حفاظت محیط زیست استان اقدام به گشت، رد زنی و نصب قفس زنده گیری کرد ولی پایش ها و کنترل روزانه قفس علاوه بر زنده گیری یک قلاده سگ ولگرد، حکایت از رد پای گونه های سگ سان در منطقه داشت.

## ✚ دامداری ها؛ مقصر یا قربانی

دامداری ها جزو اولین حلقه های تأمین کننده غذای سگ های ولگرد در حواشی شهرها و روستاهای یزد هستند که به مشکلات این گونه ها در یزد دامن زده اند، پسماند دام ها اولین محرک و کشاننده سگ های ولگرد به سمت حواشی شهر و روستاهاست که منجر می شود این گونه ها حیات انسانی و محیط زیست منطقه را تهدید کنند.

معاون فنی محیط زیست در این باره از دامداری های حاشیه روستاها خواسته بود تا از هر گونه رهاسازی لاشه های تلف شده مرغ و دام در طبیعت پرهیز کنند و برای دفع این لاشه ها، صرفاً مطابق با پروتکل های دامپزشکی و بهداشتی

دامداری ها جزو اولین حلقه های تأمین کننده غذای سگ های ولگرد در حواشی شهرها و روستاهای یزد هستند که به مشکلات این گونه ها در یزد دامن زده اند.

اقدام کنند و البته با حصار کشی مناسب، دام‌های خود را از حمله هر گونه حیوان مهاجم محافظت کنند. علاوه بر دامداری‌ها جمعیت مسافران و گردشگران و طبیعت گردانی که در حاشیه‌های شهرها و روستاها مواد خوراکی خود را می‌کنند و پسماندهای غذایی خود را به‌جای می‌گذارند منجر به حرکت این حیوانات به این سمت و سوی می‌شوند و نهایتاً فاصله زیادی تا رسیدن آنها به شهر نمی‌ماند.

### ❖ جمعیت سگ‌ها کنترل شود

«فاطمه نیکوروش» فعال محیط زیست استان یزد با بیان این که جمعیت سگ‌های ولگرد در یزد باید کنترل شود و وضعیت اصلاً خوب نیست، به پرگار می‌گوید: جمعیت این سگ‌ها به گونه‌ای شده است که نه تنها حیات وحش بلکه جامعه شهری و انسانی را نیز تهدید می‌کنند و زمان آن رسیده که به سرعت این جمعیت رو به افزایش، کنترل شود. وی با بیان این که جمع‌آوری سگ‌های ولگرد در کشورهای دیگر اصولی است، می‌گوید: باید سگ‌ها را جمع‌آوری کرده و باتوجه به جمعیت این سگ‌ها، امروز بهترین روش برای حذف سگ‌های ولگرد یونان یا مرگ بی‌ درد است که با احساسات مردم نیز بازی نشود. وی با تاکید بر این که احساسات مردم قابل کنترل نیست و نباید با آن بازی کرد می‌گوید: حذف سگ‌ها با اسلحه و گلوله و چنین روش‌هایی مصداق بازی کردن با احساسات مردم است ولی باید این جمعیت به صورت پنهانی و بدون بازی با احساسات مردم کنترل شود.

### ❖ نان به نرخ احساسات مردم

نیکوروش با بیان این که عده‌ای از احساسات مردم نان می‌خورند و اخاذی

می‌کنند، می‌گوید: همین افراد در مرگ کودکانی که توسط سگ‌های ولگرد دریده شدند، مقصر هستند چرا که به خوبی می‌دانند وضعیت امروز اصلاً خوب نیست و باز هم به رفتارهای خود ادامه می‌دهند. البته یکی از دوستداران محیط زیست که نخواست نامی از وی برده شود، نیز می‌گوید: زمانی که سگ‌های ولگرد انسانی را می‌درند همین گروه‌های به‌ظاهر حامی حیوانات کاملاً سکوت می‌کنند اما کافی است یک نفر حرف از جمع‌آوری سگ‌های ولگرد را بزند آن زمان است که دوباره سرو کله‌شان پیدا می‌شود. وی که معتقد است این گروه‌ها هزینه‌هایی را از سوی مردم با عنوان حمایت از حیوانات دریافت کرده و اصلاً حیوانات را حمایت نمی‌کنند، می‌گوید: اگر در خصوص حمایت سگ‌های ولگرد تاکنون از سوی این گروه‌ها حمایتی صورت گرفته بود امروز شاهد چنین جمعیتی زیادی از سگ‌ها و مرگ‌ومیر انسان نبودیم. این فعال محیط زیستی با بیان این که بعضاً این گروه‌ها می‌توانند اعتبارات دولتی را نیز جذب کنند، می‌گوید: باید بررسی شود که این گروه‌ها دقیقاً چه می‌کنند.

### ❖ معضل جدید بافت تاریخی

اما مسئله دیگری که امروز این سگ‌ها را به تهدید تبدیل کرده، حضورشان در بافت تاریخی است که می‌تواند تهدیدی برای گردشگران نیز باشند، نیکوروش در این باره می‌گوید: سگ‌های ولگرد در بافت تاریخی رها هستند و شب‌ها در بافت به صورت گله‌ای هم پرسه می‌زنند و امنیت شهر و گردشگری را نیز تهدید می‌کنند. وی معتقد است که؛ حتی جمعیت گربه‌ها هم باید کنترل شود با این وجود در حیرت‌م که چرا مردم

مسئله دیگری که امروز این سگ‌ها را به تهدید تبدیل کرده، حضورشان در بافت تاریخی است که می‌تواند تهدیدی برای گردشگران نیز باشند.

واکسیناسیون، رسیدگی به سگ‌ها و مواظبت از آن‌ها همچنین جلوگیری از مردم‌آزاری هم مسئله دیگری است که باید در نگهداری از سگ‌ها مورد توجه باشد.

کودک میبدی سال گذشته توسط حمله سگ‌های ولگرد کشته شد و پس از آن نیز کودک دیگری جان خود را از دست داد، علاوه بر مرگ این دو کودک گاز گرفتگی‌ها نیز جزو آسیب‌هایی بودند که در سال گذشته و سال‌های قبل در حال افزایش هستند بنا بر آمار سازمان اورژانس استان یزد سال گذشته ۲۰ مورد و از ابتدای امسال نیز ۱۲ مورد گاز گرفتگی و آسیب از سوی سگ‌ها گزارش شده است. «پناهگاه سگ‌های ولگرد» جایی است که سال گذشته راه‌اندازی شد. اقدامی مؤثر و همسو با محیط‌زیست اما آیا این اقدام اشتباه بود؟ مراکز نگهداری از سگ‌های ولگرد مراکز مهمی هستند که در همه دنیا نیز وجود داشته و استانداردهای مشخصی دارند اما چرا امروز این مراکز جوابگوی مشکلات سگ‌های ولگرد نیست؟



**جمعیت سگ‌های ولگرد به طور چشمگیری در حال افزایش است و غذا دادن غیراصولی به سگ‌ها و وارد شدن این جمعیت در دل شهر منجر شده است تا نتوانیم امروز این جمعیت را کنترل کنیم.**

جمعیت سگ‌های ولگرد به طور چشمگیری در حال افزایش است و غذا دادن غیراصولی به سگ‌ها و وارد شدن این جمعیت در دل شهر منجر شده است تا نتوانیم امروز این جمعیت را کنترل کنیم. یکی از معضلات این حوزه مربوط به تعداد توله‌هایی است که امروزه توسط سگ‌های ولگرد در حال متولد شدن است. بنا به اعلام محیط‌زیست، سگ‌هایی در یزد مشاهده شده که تعداد ۱۱ توله را متولد کرده‌اند و این رقم در حال نزدیک شدن به رکورد گینس یعنی ۱۴ توله است. آیا با این روند رو به رشد، نباید هر چه زودتر برای سگ‌های ولگرد تدبیری اندیشید؟

غذاهای آلوده و گوشتی را در محیط رها می‌کنند اگر قصدشان کمک به این حیوانات است چراغ‌های خوب و سالم نمی‌ریزند تا حداقل این حیوانات دچار بیماری و انگل نشوند. وی با بیان این که فرهنگ‌سازی و ممنوعیت توله‌کشی نیز باید به سرعت اتفاق بیفتد، می‌گوید: باید مردم را آگاه کرد تا از تکثیر و توله‌کشی که اکنون در حال انجام است، جلوگیری کنند، متأسفانه سگ‌های آپارتمانی در حال افزایش هستند در حالی که اکثر مردم شرایط نگهداری ندارند.

وی ادامه می‌دهد: ما در مجموعه خود هفته‌ای ۱۰ مورد مراجعه برای واگذاری توله‌سگ‌ها داریم که نشان می‌دهد مردم سگ‌ها را صرفاً از روی هوا و هوس خریداری می‌کنند در حالی که کمتر از یک تا دو ماه به این نتیجه می‌رسند که شرایط نگهداری سگ‌ها را ندارند.

این فعال زیست‌محیطی با بیان این که توله‌کشی و خرید و فروش توله‌سگ‌ها شغل درآمدزایی برای برخی از افراد است، می‌گوید: توله‌کشی سگ ممنوع است در حالی که برخی سگ‌های آپارتمانی را تکثیر کرده و سپس در محیط یا چرخه طبیعت رها می‌کنند پس باید در خصوص عقیم‌سازی و ممانعت از توله‌کشی فرهنگ‌سازی شود.

### ✚ سگ‌ها در دنیا قانون دارند

این فعال محیط‌زیست با بیان این که در تمام دنیا نگهداری از سگ‌ها قوانین خاص خود را دارد می‌گوید: سگ باید قلاده داشته باشد و اگر در محیط‌زیست ایجاد مشکلی کند باید از سوی صاحب‌وی، این مشکل رفع شود چرا که در غیر این صورت فرد مذکور جریمه خواهد شد اما ما کدام یک از این قوانین را داریم؟ علاوه بر آن



در گفتگو با یک فعال محیط‌زیست

## یک شهر بی زباله

پوسماند یعنی مهربانی با آب و خاک

دغدغه‌اش برای محیط‌زیست از علاقه به طبیعت شروع شد و این علاقه کم‌کم باعث شد فعالیت‌هایی را به صورت فردی برای کمک به حفظ محیط‌زیست و کاهش تولید زباله انجام دهد. وقتی علاقه و دغدغه و آگاهی بیشتر شد نغمه عزیزی را که کارشناسی ارشد معماری داشت در مسیری قرار داد که ایده‌ها و طرح‌هایی را برای حفظ محیط‌زیست ارائه دهد و به صورت یک پویش جمعی برای کمک به زمین قدم بردارد. پویش مهربان با آب و خاک را به کمک دو دوست و همسرش در سال ۱۳۹۹ راه‌انداخت تا بتواند تجربیات خود و دیگران را برای تفکیک زباله و خشک کردن پوست میوه‌ها که حالا پوسماند نامیده می‌شد به اشتراک بگذارد.

سمانه ملازینلی



را دور می‌ریزیم. به طور مثال کاغذ و مقوا از درختانی که قطع شده‌اند، پلاستیک از منابع نفتی و فویل‌های آلومینیومی از کوه‌های ما به دست آمده است. ما با مصرف زیاد و سپس با دور ریختن آن‌ها و تفکیک نکردنشان هم منابع تجدیدناپذیر مصرفی هم آن انرژی که صرف تولید شده را هدر می‌دهیم. از دیگر سو هم با دفع بدش به محیط زیست آسیب می‌زنیم. کاری که گروه ما انجام می‌دهد چیست؟ اینکه اقدامات فردی را در شبکه‌های اجتماعی ترویج می‌دهیم. اول استفاده از ظروف پایدار برای خرید و عدم استفاده از پلاستیک تا جایی که امکان دارد و قدم بعدی تفکیک زباله خشک از تر به صورت اصولی. ما با این کار تغییراتی را در سبک و سیاق زندگی مان می‌دهیم تا بتوانیم زمین را از آلودگی و خطر نجات بدهیم.



### در بخش پسماند ارگانیک چه مسیری را طی کردید؟

در حوزه پسماند ارگانیک و طبیعی نیز منابع آب و خاک ما صرف شده تا محصولی تولید شود و به دست ما برسد. حتی شناسانه‌ترین کار این است که هر چیزی که از طبیعت گرفتیم را به روش خودش به او برگردانیم یعنی دوباره آن محصول را وارد چرخه طبیعت بکنیم نه اینکه محصول با ارزش را تبدیل به یک زباله بی ارزش و آسیب‌زننده کرده و در طبیعت رها کنیم. به نظر تان زباله‌هایی که تولید می‌کنیم کجا می‌رود چه سرنوشتی دارد؟ جواش ترسناک است. آن‌ها در محلی در حاشیه شهرها روی هم انباشته می‌شود در حجم خیلی زیاد آن قدر که حتی امکان تجزیه شدن هم پیدا نمی‌کند. حاصل این انباشت

در صحبت‌هایش زمین را مادرمان می‌خواند و اعتقاد دارد هرچه طبیعت و مادرمان زمین با مهر و بخشندگی به ما می‌دهد ما هم باید همان‌طور به او برگردانیم. او در سایت شخصی‌اش najmeazizi.ir تحت همین عنوان یعنی «مادرمان زمین» تولید محتوا می‌کند. با او درباره فعالیت‌هایش در بحث پوسماند و کاهش زباله به گفتگو نشستیم که در زیر می‌خوانید.

### برایمان بگویید که در کدام حوزه محیط زیست فعالیت می‌کنید؟

مسائل محیط زیست متعدد است و بسیاری از آن‌ها در سطح کلان مدیریت شده و کار چندانی برای بهبود آن از دست ما بر نمی‌آید. مثل بحث حمل و نقل شهری یا مدیریت منابع آبی و غیره. چیزی که کاملاً دم دست و تحت کنترل ماست سطل آشغالمان است. من دیدم که می‌توانم در خانه به صورت فردی برای زباله‌ای که تولید می‌کنم کاری انجام دهم تا به چرخه طبیعت برگردد و دور ریخته نشود. بحث پسماند صفر دو بخش عمده را در برمی‌گیرد. یکی پسماند ارگانیک و طبیعی و یکی پسماند غیرطبیعی یا مصنوعی. در بخش پسماند غیرطبیعی حالت ایده‌آل این است که نباید هیچ چیزی را به عنوان دورریز داشته باشیم بلکه باید در چرخه مصرف بماند یا بازیافت شود، این که زباله خشک و تر را از خانه خودمان از هم تفکیک کنیم کمک بزرگی به زمین می‌کنیم. اما متأسفانه تمدن ما تمدن دورریزی است و ما بدون توجه به اینکه چه انرژی و هزینه‌ای برای درست شدن محصولات صرف شده به سادگی چیزی

در بخش پسماند غیرطبیعی حالت ایده‌آل این است که نباید هیچ چیزی را به عنوان دورریز داشته باشیم بلکه باید در چرخه مصرف بماند یا بازیافت شود.

پوست گردو و بادام را برای سوخت و تبدیل به زغال فشرده می‌خرند و این خودش در شرایط اقتصادی الان می‌توان کمک کننده باشد و درختان کمتری برای سوخت قطع شود.

### در خصوص پوسماند و طرح مهربانی با آب و خاک اطلاع‌رسانی و آشنا کردن مردم با آن چگونه صورت می‌گیرد؟

ایده خشک کردن زباله تر سه سال پیش توسط خانم حمداوی مطرح شده و در سراسر کشور از طریق فضای مجازی ترویج شده بود. یزدی‌هایی که پای کار بودند و ژن قناعت در آنها فعال بود نیز شروع کرده بودند. ما نیز بعد از اقدام فردی و تحویل به دامدار و استقبال او شروع به تولید محتوای مکتوب و ویدئویی در فضای مجازی کردیم. از دلیل کار گفتیم و این که به چه دلیلی حل معضل شیرابه باید از خانه‌ها شروع شود نه در سطح کلان شهری. اگر از خانه‌ها شروع شود هزینه‌ها و در دسرهایش کمتر هست این کار باید از ریشه آغاز شود به قولی سرچشمه شاید گرفتن به بیل، چو پرگشت نتوان گذشتن ز بیل، وقتی به تعداد همه خانه‌های شهر شیرابه تولید بشود رفع روج کردنش کاری پرهزینه و زمان بر و آسیب زنده است. هر چند در وضعیت فعلی توسط اغلب شهرداری‌ها هم رفع نمی‌شود و دارد به محیط‌زیست آسیب می‌زند. در بهار ۹۹ که کار را گروهی شروع کردیم ۷۰ کیلو پوسماند جمع شد و به تدریج با گزارش کار و گذاشتن تجربیات در گروه و کمک رسانه‌های مکتوب و صداوسیما که گزارشی از کارمان گرفتند، تا پایان

شیرابه هست و گاز متان. شیرابه‌های سمی که از زباله‌ها سرازیر شده است آب‌های زیرزمینی و خاک را می‌آلود. گاز متان هم از عوامل آسیب‌زننده به لایه اوزون است. روش ما برای اینکه این اتفاق نیفتد ساماندهی پوسماندهای طبیعی است. ما بعد از تفکیک زباله خشک از تر، ضایعات گیاهی را خشک می‌کنیم یعنی پوست میوه و سیفی جات را برای خوراک دام خشک می‌کنیم، محتویات تفاله‌گیر سینک ظرف‌شویی را کمپوست یا خشک کرده و پوست تخم‌مرغ را نیز برای خوراک طیور کنسار می‌گذاریم. حتی پوست خشک آجیل و مغزی جات نیز به سطل زباله نمی‌رود چون به عنوان سوخت می‌توان از آن استفاده کرد. پس می‌بینید که هر کدام به شکل خوراک دام، کود یا سوخت می‌تواند به طبیعت برگردد و زباله نیست. اعضای گروه مهربانی با آب و خاک پوسماند می‌سازند تا در تولید شیرابه و گاز متان و تخریب زمین و آزار آسمان نقش نداشته باشند.

### به نظر می‌رسد این کار اگر همگانی شود کمک بزرگی به حفظ محیط‌زیست بکند؟

صد درصد، شما وقتی پوست میوه‌ها، پوست تخم‌مرغ، بادام و گردو و... را به شکل زباله نگاه نکردی و آن‌ها را دور نریختی و به دامدار و هر کسی که احتیاج داشت دادی تا از آن استفاده کند هم غذای حیوانات را مهیا کرده‌ای، هم به دامدار در هزینه‌ها کمک کرده‌ای. از انباشته شدن زباله‌ها جلوگیری کرده شیرابه و گاز متان نساخته و به چرخه طبیعت حرمت گذاشته‌ای! از طرفی دامدارانی هستند که پوسماند را کیلویی خریداری می‌کنند، یا حتی افرادی که



حتی پوست خشک آجیل و مغزی جات نیز به سطل زباله نمی‌رود چون به عنوان سوخت می‌توان از آن استفاده کرد. پس می‌بینید که هر کدام به شکل خوراک دام، کود یا سوخت می‌تواند به طبیعت برگردد و زباله نیست.



ورود نسل آینده  
به این ماجرا خیلی  
ضروری است  
چون وقتی بچه‌ها  
را با کار درگیر کنیم  
تأثیر بیشتری روی  
بزرگ‌ترها می‌گذارند و  
کار بهتر پیش می‌رود.



سلوک شخصی به آن نگاه می‌کنیم مثل یک آیین و عبادت. وقتی کسی باوری دارد و در جهت آن تلاش می‌کند برایش تعیین کننده نیست که آیا دیگران هم این کار را می‌کنند یا نه اکثریت با او همراه هستند یا نه. در واقع خود را مأمور به وظیفه می‌دانیم نه معطوف به نتیجه.

### بر اساس تجربه شما فرهنگ‌سازی در خصوص مبحث پوسماند، از چه طریقی بیشتر مؤثر است؟

بیشترین تمرکز ما روی شبکه‌های مجازی بوده بخصوص اینستاگرام. در آن فضا ما از دلایل منطقی و احساسی کار فراوان و به زبان‌های مختلف حرف زده‌ایم. به نظر می‌رسد حالا زمان برنامه‌های حضوری و برنامه‌های متمرکز ترویجی در مدارس و آپارتمان‌هاست. ورود نسل آینده به این ماجرا خیلی ضروری است چون وقتی بچه‌ها را با کار درگیر کنیم تأثیر بیشتری روی بزرگ‌ترها می‌گذارند و کار بهتر پیش می‌رود. رسانه‌های مثل تلویزیون مخاطبان خاص خودش را هنوز دارد و اگر امکان اطلاع‌رسانی و آموزش مداوم از این طریق فراهم شود ما استقبال می‌کنیم. حتی رسانه سنتی منبر برای جمع‌کثیری از مردم ما هنوز رسانه معتبر و کارآمدی است، طبیعی و بدیهی است امر اسراف باید دغدغه متولیان

سال ۹۹ به حدود ششصد کیلو رسیدیم. جمعاً یعنی حدود سه هزار کیلو پوسماند و اجتناب از ایجاد سی هزار لیتر شیرابه! آخر آذرماه امسال هم من و دوستم خانم مهندس اعلم که همراه و همکار من در این پویش هستیم به برنامه زنده‌باد زندگی شبکه دو دعوت شدیم و در خصوص فعالیت‌مان حرف زدیم.

### تأثیرگذاری کار را چگونه می‌بینید؟ می‌خواهم بدانم آن‌طور که دوست داشتید مردم استقبال کردند؟

مسئله‌ای که در این کار وجود دارد این است که ذهن و حس ما هر دو درگیر این کار می‌شود. مادر ابتدای شروع کرونا، کار را شروع کردیم، آن زمانی که جهان در سیطره چیزهای کنترل‌ناپذیر بود و فکر می‌کردیم هیچ تسلطی بر اطراف نداریم. این حس که ما منفعل نبودیم بلکه در خانه خودمان، با امکانات خودمان داریم جلوی یک شر محیطی را می‌گیریم و بدون ماده اولیه اضافی و بدون هزینه آن رابه خیر تبدیل می‌کنیم حس خوبی داشت. بهتر است بگویم ما خیلی تبلیغ نکردیم بلکه ما سرایت کردیم. ما تلاش کردیم با خلوصی که در نیت‌مان داریم و وفایی که به کار و تداومی که در انجام دادنش داریم مردم را تحت تأثیر قرار دهیم. ما خواستیم آن‌هایی که آمادگی ذهنی برای مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و داشتن تعهد دارند مبتلای این قضیه شوند. هنوز حجم آلودگی و زهرابه‌ای که دارد تولید می‌شود، با توجه به مقیاس و جمعیت شهر، درصد بالایی است. نمی‌شود انکار کرد که ما درصد کوچکی از جامعه هستیم اما کوشیده‌ایم مثل یک



از مردم می‌خواهم از امتحان کردنش نترسند اگر تصمیم به همکاری گرفتند ما می‌توانیم قدم‌های کوچک را یادشان بدهیم تا کم‌کم با کار همراه بشوند.

## حمایت دولت یا کمک شهرداری را در کنار فعالیت خود داشتید؟

زمانی که ما طرح مهربانی با آب و خاک را به سازمان باز یافت بردیم خیلی امیدی نداشتیم که کمک کنند اما کردند. باید بگویم یزد شروع کننده جمع‌آوری منسجم پوسماند برای دامداری‌ها شد و تنها شهری است که به لطف سازمان باز یافت که ماشین و راننده در اختیارمان گذاشت جمع‌آوری از درب خانه‌ها داریم. شهرهای دیگر باید به ایستگاه مورد نظر بروند و پوسماند را تحویل دهند، اما این کار که در کشور منحصر به فرد است افتخار خوبی برای یزد است اینکه مسئولین در کش را داشتند و فهمیدند این کار هم برای حفظ محیط زیست ارزشمند است و هم به نفع خود شهرداری است. شهرداری اپلیکیشنی را برای جمع‌آوری پوسماند در دست اجرا دارد که می‌تواند به مردم انگیزه بدهد که این کار را انجام بدهند به صورتی که هر شهروندی که پوسماند تحویل بدهد کارت شهروندی‌اش شارژ شود. کاری که ما می‌کنیم نتیجه درازمدت دارد اما برای مردمی که دغدغه‌اش را ندارد وقتی پاداشی برایشان در نظر گرفته شود و مردم نتیجه‌اش را فوری بگیرند برایشان ایجاد انگیزه می‌کند. ما باید آسان بودن کار را آموزش دهیم. برای این کار باید ساختار رفتاری در مواجهه با زباله معرفی شود تا کار صحیح جزو روتین زندگی مردم شود.



دینی باشد و اگر آن‌ها ورود کنند حجم استقبال بخش سنتی جامعه بالا می‌رود. متأسفانه برخی از مردم در مواجهه با این کار، حرفشان این است که مگر ما مسئول همه چیز هستیم؟ مسئولیتش با شهرداری است. یک بخش این حرف برمی‌گردد به اینکه آگاه نیستند که چقدر کار لطمه زنده‌ای است و یک بخش هم این است که عادت دارند سیستم و شکل کاری که می‌کنند مثل قبل انجام شود و تغییر برایشان سخت است. گاهی یک نفر می‌خواهد پوسماند را به پوسماند تبدیل کند اما اعضای خانواده مخالفتش هستند. ما اما می‌گوییم نگران شکل انجامش نباشد. می‌توان پوست میوه‌ها را در خانه نگه داشت بدون اینکه فضای خانه را کثیف کرد یا پشه جمع شود. ما چند سال است که این کار را انجام داده‌ایم و با فراز نشیب‌هایش آگاهی داریم. دیگر برای ما سختی ندارد حتی زندگی آسان تر شده چون هر شب یک کیسه زباله پراز چکه‌های آب را دم در نمی‌گذاریم یا خیلی وقت است خانه‌مان است بوی زباله را به خود نگرفته است.

کاری که ما می‌کنیم  
نتیجه درازمدت دارد  
اما برای مردمی که  
دغدغه‌اش را ندارد وقتی  
پاداشی برایشان  
در نظر گرفته شود و  
مردم نتیجه‌اش را فوری  
بگیرند برایشان  
ایجاد انگیزه می‌کند.



استان یزد، زیستگاه طیف متنوع جانوران

# مرگ حیات وحش یزد؛ جدال نابرابر با خشکسالی و شکار

خشکسالی‌های پی‌درپی و برداشت بیش از حد از سفره‌های آب زیرزمینی، بسیاری از چشمه‌ها و منابع آبی که نقش حیاتی برای تأمین آب حیات وحش را در استان داشته‌اند خشکیده و امروزه خشکسالی و انقراض برخی گونه‌ها تهدید جدی برای حیات وحش یزد به شمار می‌رود.

ابوالفضل محمدی



تغذیه حیات‌وحش ندارد. از سویی در چنین شرایطی انتظار افزایش جمعیت حیات‌وحش باطل است اما باید تلاش کرد همین جمعیت موجود شامل کل و بز، قوچ و میش حفظ شوند.

### ✚ تراژدی خشکسالی؛ گرسنگی

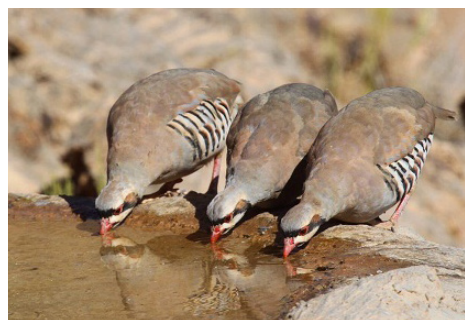
و مرگ حیات‌وحش رارقم می‌زند  
حسن اکبری، از فعالان محیط‌زیست و از معاونان و مدیران پیشین اداره کل محیط‌زیست در استان یزد که آشنایی کامل با مناطق استان را دارد در خصوص وضعیت حیات‌وحش استان گفت: از جمله پیامدهای خشکسالی بر حیات‌وحش، خروج آن از مناطق حفاظت شده است و نباید فراموش کرد که کاهش جمعیت علف‌خواران موجب به‌هم‌ریختن نظم زنجیره غذایی در هر منطقه می‌شود. وی با بیان اینکه خشکسالی، توسعه معادن، ساخت جاده و تصادف جاده‌ای از جمله مشکلات طبیعت استان است افزود: متأسفانه مرگ‌ومیر حیات‌وحش یزد ناشی از تصادفات جاده‌ای رو به افزایش است به گونه‌ای که شاهد تلف شدن بسیاری از گونه‌های ارزشمند و در معرض خطر انقراض در جاده‌های استان هستیم. اکبری با تأکید بر اینکه نباید با رفتارهای نادرست عرصه را برای حیات‌وحش تنگ کنیم خاطر‌نشان کرد: این استان در برگیرنده طیف متنوع از زیستگاه‌های جانوری است و علی‌رغم اقلیم خشک و سخت آن بیش از یک‌سوم پرندگان کشور و همچنین یک‌سوم پستانداران وحشی در آن زیست می‌کنند.

وی با بیان اینکه تراژدی خشکسالی؛ گرسنگی و مرگ حیات‌وحش رارقم می‌زند عنوان کرد: گرسنگی یکی از

تا همین چند سال پیش دشت‌های یزد پر بود از پرندگان و چرندگان و خزندگان زیبایی که حیات‌وحش استان را در عین کویری بودنش، زیبایی و رنگ و بوی دیگری داشت به طوری که یک‌سوم پرندگان کشور و پستانداران وحشی، ۸۰۰ گونه گیاهی، ۱۹۰ نوع پرنده، ۶۰ نوع پستاندار و ۴۰ نوع خزنده را در خود جای داده بود اما این روزها به واسطه خشکسالی‌ها عواقب بسیار خطرناکی برای جمعیت گونه‌های مختلف جانوری استان پیش‌بینی می‌شود.

بیش از ۱۰ سال است که نقاط مختلف استان با پدیده خشکسالی دست‌وپنجه نرم می‌کند و این دوره طولانی خشکسالی به همراه افت سطح آب‌های زیرزمینی، موجب کاهش رطوبت خاک و نابودی پوشش گیاهی در زیستگاه‌های دشتی استان شده و در دشت‌های استان مانند کفه پنج انگشت ابرکوه، مهدی‌آباد بهادران، پناهگاه حیات‌وحش دره انجیر و دشت‌های بهاباد به‌وضوح دیده می‌شود و بر زندگی حیات‌وحش نیز تأثیر داشته است. به گفته کارشناسان و فعالان محیط‌زیست، خشکسالی سال‌های اخیر بیشترین خسارت‌ها به پارک ملی سیاهکوه وارد کرده است و آن‌طور که پیداست تکرار خشکسالی‌ها منجر به کاهش جدی رویش گیاهی شده و پیامد این پدیده نیز کاهش جمعیت گونه‌هایی چون کل و بز، قوچ و میش و علف‌خواران در منطقه است.

گرچه به همت محیط‌زیست در سال‌های گذشته تعدادی آب‌انبار برای رفع تشنگی حیات‌وحش استان ساخته شده که به آنها آبرسانی می‌شود اما این آب‌انبارها تا حدی مشکل کم‌آبی زیستگاه‌های حیات‌وحش را رفع می‌کند و تأثیری در



این استان در برگیرنده طیف متنوع از زیستگاه‌های جانوری است و علی‌رغم اقلیم خشک و سخت آن بیش از یک‌سوم پرندگان کشور و همچنین یک‌سوم پستانداران وحشی در آن زیست می‌کنند.

نیاز طبیعت هستند و هم جاذبه‌هایی طبیعی به شمار می‌روند که از بین رفتن آنها، تبعات بسیاری به دنبال دارد.

وی با اشاره به اینکه در چند سال گذشته مردم برای تأمین آب حیات وحش مشارکت داشته‌اند اضافه کرد: تنها آب‌رسانی به حیات وحش و رهاکردن علوفه‌های خشک به عنوان تغذیه حیات وحش از سوی مسئولان و اداره کل محیط‌زیست انجام می‌شود که کافی نیست و مردم هم باید در این زمینه ایفای نقش کنند. وی با بیان اینکه خسارت‌های ناشی از خشکسالی و کم‌آبی به کشاورزان آسیب‌های قابل توجهی وارد می‌کند، عنوان کرد: خبرهای گاه‌وبی‌گاه از حمله حیوانات به دام‌ها و از بین بردن مزارع، نشان از گشنگی و تشنگی حیات وحش دارد که باید مورد توجه همگان قرار گیرد نه اینکه برای نابودی حیات وحش اقدام شود. دهقان با تاکید بر اینکه مردم روستاها باید در برداشت از منابع آبی دقت بیشتری داشته باشند تا سهم حیات وحش حفظ شود افزود: گرایش حیات وحش به اراضی کشاورزی و وارد آمدن خسارت به کشاورزان و دامداران است که در صورت بی‌توجهی، احتمال بروز مشکلاتی در این زمینه بالاست.

پناهگاه حیات وحش بورونیه در شهرستان خاتم، یکی از مناطق غنی است که در طول یک دهه گذشته در معرض تهدیدات جدی قرار گرفته و در جدالی نابرابر با خشکسالی و شکار غیرمجاز، برای حفظ گونه‌های نادر گیاهی و جانوری تلاش می‌کند.



علت‌های از بین رفتن وحوش است که از خشک شدن و از بین رفتن پوشش گیاهی منطقه تا تلفات کل و بزرادر پی دارد.

وی با بیان اینکه متأسفانه خشکسالی‌های طولانی مدت در کنار تغییر اقلیم سبب از بین رفتن بخش عمده‌ای از پوشش گیاهی و در نتیجه تلفات حیات وحش می‌شود ادامه داد: پناهگاه حیات وحش بورونیه در شهرستان خاتم، یکی از مناطق غنی است که در طول یک دهه گذشته در معرض تهدیدات جدی قرار گرفته و در جدالی نابرابر با خشکسالی و شکار غیرمجاز، برای حفظ گونه‌های نادر گیاهی و جانوری تلاش می‌کند.

تعدد غارها در پناهگاه حیات وحش بورونیه به عنوان یکی از اشکال مهم و تأثیرگذار پناه در ارتقا مطلوبیت زیستگاه برای بسیاری از گونه‌های حیات وحش به ویژه کفتارها و خفاش‌ها بسیار مؤثر بوده است اما در زمینه بسیاری از راسته‌ها به ویژه جوندگان و خفاش‌ها و رده خزندگان منطقه، مطالعات جامعی صورت نگرفته و اطلاعات اندکی در دسترس است.

یکی دیگر از فعالان محیط‌زیست یزد با اشاره به وضعیت نامطلوب حیات وحش و نگرانی‌هایی که درباره انقراض گونه‌های مختلف و نادر حیات وحش در استان وجود دارد گفت: از بین رفتن گونه‌های گیاهی، نیاز غذایی گونه‌های جانوری را نابود و آینده گونه‌های حیوانی را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد.

رضا دهقان با اشاره به ضرورت تأمین آب و غذای حیات وحش در شرایط اقلیمی دشوار یزد برای پیشگیری از تلفات جانوری اظهار داشت: یزد گونه‌های جانوری متعدد و گران بهایی دارد که هم





کوهبری در روستاهای تفت

## زخم‌هایی که معادن بر تن محیط زیست تفت می‌زنند

«خوش آب‌وهوا، خنک و بیلاقی... شهری که می‌تواند با طبیعتش در وسط بیابان شما را شو که کند. از یک طرف دامنه‌های کوه‌هایش پر از برف است و از سوی دیگر روستاهای بیابانی دارد. به همین دلیل هم در سفر به تفت باید منتظر هر آب‌وهوایی باشید» اینها اولین توصیف‌هایی است که در مورد تفت و مناطق روستایی آن می‌خوانید و می‌شنوید و همین برای هر گردشگری کافی است که کوله و بار سفر را برای دیدن این شهرستان و جاذبه‌های طبیعی و تاریخی‌اش ببندد. همان‌طور که هر تعطیلی به‌ویژه تعطیلات آخر هفته مردمان این استان را برای لختی آرامش و خنکی به این منطقه می‌کشاند. وجود مناطق بیلاقی و سرسبز، مناطق خرم کوهستانی، وجود پناهگاه حیات وحش شیرکوه، این شهرستان را به خوش آب‌وهوا ترین شهر استان یزد تبدیل کرده است. این شهرستان با یک هزار و ۴۶۶ قنات بیشترین تعداد قنات کشور را دارد و بهره‌مندی روستاهای آن از جاذبه‌های طبیعی و تاریخی و قرار گرفتن برخی از آنها در روستاهای هدف گردشگری باعث شده یکی از مقاصد تفریحی و گردشگری مردم استان و کشور باشد.

زهرا شاه‌شوازی



از مساحت این استان یا معدن کاوی می شود یا تحت تأثیر فعالیت معدنی است. طی سال های گذشته نیز برای دو میلیون هکتار دیگر درخواست فعالیت معدنی شده که با ۲۰۰ هزار هکتار آن موافقت شده است. طبق اعلام سازمان صمت مجموع آمار پروانه های بهره برداری از معادن استان یزد تا پایان فروردین ماه ۱۴۰۰ به ۶۴۱ مورد رسیده است. ظرفیت سالانه این معادن ۶۹ میلیون تن است. پنج معدن سنگ آهن چادرملو اردکان، زغال سنگ بافق (۲ معدن)، سرب و روی مهدی آباد مهریز و اورانیوم در مقیاس بزرگ ملی قرار دارند و بقیه در حد متوسط و کوچک هستند. بر اساس آمار منتشر شده بر روی سایت سازمان صمت استان یزد از حدود ۷۳۸ معدن استان حدود ۸۵ معدن در شهرستان تفت هستند که از این تعداد ۶۵ معدن فعال و ۲۰ معدن پروانه اکتشاف و گواهی کشف دارند و هنوز غیر فعال هستند.

❖ معادن؛ مضر برای محیط زیست، خالی از منفعت برای ساکنان

آنچه موجب نگرانی مردم، فعالان محیط زیست و گردشگری شده است اینکه بخش عظیمی از معادن در روستاهای تاریخی و گردشگری چون شواز، توران پشت، عبدالله و... قرار گرفته است. امری که منجر به مشکلات عدیده زیست محیطی به واسطه وجود پوشش وسیع گیاهی و به خطر افتادن گونه های نادر زیستی، آلودگی های زیست محیطی و آب وهوایی شده است.

از سوی دیگر خطر اصابت ترکش های انفجار معدنی، تردد ماشین آلات در جاده های روستایی و لرزه های بهره برداری معدن که منجر به سلب



سال های اخیر سر برآوردن معادن کوچک و بزرگ در گوشه گوشه روستاهای این منطقه تصویری نازیبارا پدید آورده است. تصویری که ادامه روند آن در کوتاه مدت شهرستان هدف گردشگری استان را به مخروبه ای بجا مانده از معادن تبدیل می کند. مخروبه ای که به واسطه بریدن کوه ها و حفر دشت های وسیعش؛ در آینده ای نه چندان دور از آن چیزی جز زباله دان معادن باقی نخواهد ماند.

گفته می شود استان یزد به دلیل واقع شدن در مرکز ایران و فراقتادگی کویر مرکزی و وجود چند گسل فعال، بستر ذخایر معدنی متعددی است ذخیره قطعی معادن استان یزد با بیش از ۵۰ نوع اندیس معدنی با ذخیره قطعی حدود ۲ میلیارد تن برآورد شده است به همین دلیل یزد دومین استانی معدنی ایران است به طوری که در دو میلیون هکتار

آنچه موجب نگرانی  
مردم، فعالان  
محیط زیست و  
گردشگری شده است  
اینکه بخش عظیمی از  
معادن در روستاهای  
تاریخی و گردشگری  
چون شواز، توران پشت،  
عبدالله و... قرار گرفته  
است.



می‌گوید کارخانه‌ام است، نمی‌خواهم بیابید و در آن کار کنید.» وی با اشاره به اشتغال ایجاد شده در معدن شهر بابک می‌گوید: «معدن میدوک ۳۰ سال اشتغال است. فاز یک، سه هزار اشتغال ایجاد کرده است، یک غیربومی نگرفته‌اند، خود اهالی منطقه چرخاندند. کمترین پایه حقوقشان ۱۲ میلیون تومان است، برنج و روغن، وام مسکن و... آن‌ها سر جایش است این یک معدن بزرگ است و این‌طور اشتغال ایجاد می‌کند. حالا اینجا به همان وسعت تخریب می‌شود اما اشتغالشان چند نفر است؟! هیچی.» عضو شورای روستای شواز در خصوص پیگیری اهالی روستا در خصوص معدن می‌گوید: اهالی روستا اعتراضی نمی‌توانند بکنند، دودش در چشم خودشان می‌رود. اعصابشان خورد می‌شود، بعد هم معدن پروانه فعالیت دارند و قانونی هست. زارع می‌گوید: متأسفانه اراده جدی برای برخورد با معدن نیست و گر نه می‌توان موضوع را به اصل ۹۰ منعکس کرد و حق مردم را مطالبه نمود. وی می‌گوید: «یک معدن دار می‌آید از امکانات روستا استفاده می‌کند و فقط و فقط منابع می‌برد، یعنی سود و بعد مالک هم نیست، خرابی را به‌جامی‌گذار و می‌رود. یعنی مسئولیت اجتماعی هیچی. چرا؟ چون خلأ قانونی است. این‌ها چون معدن کوچک هستند و روستا هستند و معمولاً اشخاص حقیقی هستند که فقط به فکر منافع خود هستند.»

✚ **خلأهای قانونی را برطرف کنید**  
حسین دستجردی یکی از فعالین محیط‌زیست از سوء معدن بر منابع آبی می‌گوید: خشکیدن چشمه روستای دستجرد و یا قنات‌های روستای عبدالله که به دلیل کار معدن در بالادست

آسایش روستاییان شده است از دیگر دلایل نارضایتی بهره‌برداران از معدن است. این در حالی است که هیچ‌گونه نفع مادی از قبل این معدن به روستا و اهالی آن نمی‌رسد و زیست اجتماعی و طبیعی آنها و منابع درآمدی‌شان را تحت تأثیر قرار داده است. اگرچه مدیرکل سازمان صمت بر اشتغال‌زایی این معدن تأکید دارد و اظهار داشته است: «تا پایان فروردین ماه سال جاری برای ۱۲ هزار و ۳۵۰ نفر به صورت اسمی در سطح استان اشتغال ایجاد کرده‌اند»؛ اما به نظر می‌رسد این اشتغال عمدتاً در معدن ملی استان در شهرستان بافق و اردکان اتفاق افتاده است که اغلب اهالی منطقه در این معدن مشغول به کار هستند در معدن روستاهای تفت این اشتغال برای غیربومی‌ها صورت گرفته است. داود زارع عضو شورای روستای شواز در این باره می‌گوید: «معدن کاران کار را به پیمانکار واگذار می‌کنند. پیمانکار یک لودر و ماشین آلات به همراه نیروی موردنیاز با خودش می‌آورد شاید یک نگهبان برای معدن از روستا بگیرند که این هم به ندرت اتفاق می‌افتد چون خبرشان پخش می‌شود؛ لذا اصلاً نمی‌خواهند روستایی را به کار بگیرند. هیچ اعتراضی هم نمی‌توانید بکنید، معدنش است، پروانه دارد و

اهالی روستا اعتراضی نمی‌توانند بکنند، دودش در چشم خودشان می‌رود بعد هم معدن پروانه فعالیت دارند و قانونی هست. متأسفانه اراده جدی برای برخورد با معدن نیست و گر نه می‌توان موضوع را به اصل ۹۰ منعکس کرد و حق مردم را مطالبه نمود.



است و این امر منجر به خشک شدن مزارع، دشت‌ها و مراتع شده است. وی در خصوص شدت تخریب پوشش گیاهی حاصل از فعالیت معادن در کردآباد به پژوهش انجام شده در این منطقه استناد می‌کند و می‌گوید: تخریب پوشش گیاهی حاصل از فعالیت معادن را می‌توان به دودسته تخریب مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نمود که تخریب مستقیم شامل تخریب پوشش گیاهی جهت احداث و بهره‌برداری از معادن و تخریب پوشش جهت احداث راه‌های خاکی برای دسترسی به این معادن است و تخریب غیرمستقیم شامل بسته شدن روزنه گیاهان به علت وجود گردوغبار و نتیجه آن کاهش عمل تنفس، فتوسنتز، کاهش خوش خوراکی گیاهان و عدم چرا توسط دام است. دست‌چردی می‌گوید: «این پژوهش همچنین نشان داده افزایش قابل توجه فرسایش بادی و آبی در منطقه از تبعات تخریب مستقیم است و نامناسب و غیرقابل استفاده بودن گیاهان اطراف معادن و حریم روستا جهت چرای دام به دلیل نشستن گردوغبار حاصله بر روی تاج پوشش گیاهان از تبعات تخریب غیرمستقیم است.»

به نظر می‌رسد نظارت هر چه بیشتر و سختگیرانه سازمان‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی و اعمال قوانین مناسب برای جلوگیری از افزایش این تخریب‌ها ضروری است. چراکه در این تخریب‌ها به دلیل از بین رفتن پوشش گیاهی از جمله گیاهان دارویی بارز منطقه و کمبود علفه مناسب جهت تغذیه دام‌ها، صدمات جدی به دامداری سنتی منطقه و به تبع آن اقتصاد خانوارهای ساکن روستا وارد شده است و در صورت ادامه این روند خسارات جبران‌ناپذیری

معادن هیچ اشتغالی برای اهالی روستا ایجاد نکرده‌اند اگر شما به عنوان یک جوان در خواست زمین برای کار کشاورزی یا دامپروری در روستا را بخواهید کسی به شما نمی‌دهد.



را به منطقه تحمیل خواهد کرد. محمد کردآبادی یکی از فعالین روستای کردآباد نیز با اشاره به پیگیری چندین ساله اهالی روستاهای کردآباد می‌گوید: «اعتراض روستای کردآباد به معدن جدیدی است که می‌خواهد مورد بهره‌برداری قرار گیرد. معدنی که مورد مناقشه است در جوار جاده روستایی و بافاصله ۵۰۰ متری زمین‌های کشاورزی و روستا قرار دارد.» وی فعالیت چندین معدن سنگ تراورتن در فواصل نزدیک به این روستا را یادآور می‌شود و می‌گوید: «روزگاری روستای کردآباد خود تولیدکننده محصولات دامی بود اما خشکسالی ناشی از تغییرات آب زیرزمینی و از بین رفتن مراتع چرای دام که عمده دلیل فعالیت بی‌رویه معادن است آن را تبدیل به یک روستای مصرف‌کننده کرده که نیازهایش باید از شهر تأمین کند.» به عقیده این فعال اجتماعی دغدغه توانمندی روستاها و ایجاد اشتغال برای بازگشت جوانان به روستا فقط یک حرف است و در این باره می‌گوید: «معادن هیچ اشتغالی برای اهالی روستا ایجاد نکرده‌اند اگر شما به عنوان یک جوان در خواست زمین برای کار کشاورزی یا دامپروری در روستا را بخواهید کسی به شما نمی‌دهد و می‌گویند بیا به شهرستان تفت اقدام کنید.»

داود زارع نیز بر از بین رفتن منابع آبی روستاها تأکید می‌کند و می‌گوید: «در قدیم چطور قنات‌ها را تشخیص می‌دادند؟ آب باران وقتی روی کوه می‌ریزد، وارد شیارها می‌شود و می‌آمدند بر مبنای آن‌ها سفره پیدا می‌کردند. حالا معدن می‌آید این را تخریب می‌کند و تخریب که می‌کند، آب که می‌آید، در سطح جاری می‌شود و می‌رود و دیگری



نفوذپذیری در زمین ندارد.»

### ❖ گمشده؛ سهم یک درصدی روستاها

حسینی دهیار روستای عبدالله نیز می‌گوید: ۱۷ نفر از مردم منطقه دارای پروانه چرای دام در این محدوده هستند که باراه‌اندازی معادن محدوده دامی آنان به خطر افتاده و آسیب‌های سنگینی به اشتغال روستایی وارد شده است.

وی به سهم یک درصدی روستاها از معادن اشاره می‌کند و می‌گوید: این سهم نه تنها تاکنون محقق نشده است بلکه اگر شورا یا دهیاری روستا بخواهد برای عمران و آبادی روستا قسمتی ضایعات معدن سنگ را بردارد به آنها داده نمی‌شود. عضو شورای روستای شواز نیز در تأیید این صحبت‌ها می‌گوید: «در واقع زمینی که معدن داران می‌گیرند، اراضی ملی است. اراضی ملی یا آزاد است و یا قبلاً حق بهره‌برداری آن به کسی داده شده است که اینجا مثلاً به دامدار داده شده است. مسئله این است که ۱۷ نفر دامدار اینجا حق تعلیف دارند و از بین رفته است. در صورتی که مرتع داران نیز می‌توانند به اندازه ۵ هکتار از چرای خودشان را به‌عنوان حق بهره‌بردار از دولت مطالبه کنند.» در این میان کنار گذاشتن یا دورزدن سازمان محیط‌زیست در خصوص صدور مجوز فعالیت‌های معدنی زنگ خطر جدی برای روستاهای تفت است. قانون معادن دست سازمان محیط‌زیست را برای نظارت بر معدن داران بسته و از سال ۸۸ حق هر اظهار نظری درباره فعالیت معدنی در اراضی ملی را از این سازمان گرفته است.

اگر چه با توجه به حجم تخریب و تأثیر معادن بر محیط‌زیست و آلودگی‌های

ایجاد شده ناشی از فعالیت آنها، حتماً می‌بایست از سازمان محیط‌زیست استعلام گرفته شود؛ اما سازمان صمت تنها از معادنی که در مناطق حفاظت شده و زیستگاه‌های حیات وحش نقطه بابی شده باشند، از محیط‌زیست استعلام می‌گیرد. سازمان محیط‌زیست به دلیل بروز مشکلات زیست‌محیطی بارها خواستار اصلاح قانون برای جلوگیری از تخریب هر چه بیشتر محیط‌زیست شده است، اما تاکنون هیچ‌گونه اقدام مثبتی برای بازنگری و اصلاح این قانون صورت نگرفته است. داود زارع عضو شورای روستای شواز اصلاحیه قانون معادن در سال ۱۳۹۱ توسط مجلس را یادآور می‌شود و می‌گوید: «بر اساس این قانون استعلام از سازمان حفاظت از محیط‌زیست و ادارات کل زیرمجموعه این سازمان محدود به معادنی شد که در مناطق چهارگانه محیط‌زیست باشد»

وی قوانین محیط‌زیستی را بسیار فشل می‌داند و می‌گوید: «در واقع محیط‌زیست قانون ندارند، آیین‌نامه دارند که اعتبار آن به مصوبه هیئت وزیران است. مثلاً آیین‌نامه محیط‌زیست می‌گوید معادن را تقسیم‌بندی کنید، مس، آهن و... تا این حجم مثلاً ماده معدنی باید پروانه زیست‌محیطی بگیرند. مثلاً تا پنج میلیون تن یا یک میلیون تن. معدن کار باید برود و گواهی زیست‌محیطی بگیرند. معدن کار به سازمان صمت می‌رود و این سازمان نامه به محیط‌زیست می‌زند. محیط‌زیست یک ماه فرصت دارد جواب دهد و وقتی ندهد، یعنی تأیید است.»

وی بر عدم نظارت و کار کارشناسی بر روی معادن تأکید دارد و می‌گوید: «نظارت بر این که آیا واقعاً اکتشافی انجام می‌گیرد، ضعیف است. معدن کار چون سهم یک

اراضی ملی یا آزاد است و یا قبلاً حق بهره‌برداری آن به کسی داده شده است که اینجا مثلاً به دامدار داده شده است.





منابع طبیعی جبران پوشش گیاهی که تخریب می شود پول می گیرد لذا هر چه پوشش گیاهی بیشتر پول بیشتر.



حسنى دهيار روستاى عبدالله نيز با اشاره به عدم اجراء صحيح قانون يك درصد عوارض فروش معادن مى گويد: آن ها فقط همان سهم روستا را اگر نيم درصدش يا حتى يك دهم درصدش را بدهند چقدر در عمران و آبادى روستاهائى منطقه مؤثر است.

وى با بيان اينكه معادن كاران بهره بردارى بى رويه اى از معادن دارند مى گويد: در يك معدن هم زمان چند پيمانكار مشغول به كار هستند و با استفاده از تجهيزات بهره بردارى مدرن تلاش دارند حداكثر استخراج را طى مدت زمان تعيين شده طبق پروانه بهره بردارى داشته باشند.

وى غير بومى بودن اكثر صاحبان معادن در منطقه را يادآور مى شود و مى افزايد: يك فردى ساكن استان ديگرى است اما به راحتى مجوز بهره بردارى از معادن شهرستان تفت را گرفته است. تخریب جاده‌های روستایی، تصادفات سکنه و خطر تلف شدن دام به واسطه تردد ماشین‌های سنگین با چند تن بار سنگ‌های معدنی از دغدغه دیگر روستاییان است و معتقدند آسیب‌هایی که این ماشین‌ها به جاده‌های روستایی وارد کرده‌اند این جاده‌ها را غیر قابل استفاده کرده و مرمت و بازسازی

درصد و سه درصد باید پردازد، نمی‌گوید ذخیره واقعی معدن چقدر است معمولاً در این بخش کارشناسی درستی انجام نمی‌شود.»

#### ❖ پولی که به استان باز نمی‌گردد

داود زارع بر این باور است: «منابع طبیعی جبران پوشش گیاهی که تخریب می‌شود پول می‌گیرد لذا هر چه پوشش گیاهی بیشتر پول بیشتر. هر چند این پول به حساب وزارتخانه ریخته می‌شود تا وزارتخانه بعداً آن را تخصیص دهد که هیچ‌وقت این اتفاق نمی‌افتد و پول هم می‌رود.» وی می‌گوید: «وقتی که منابع طبیعی تأیید را می‌دهد، تصدی دولت از منابع طبیعی می‌رود به صمت و صمت ۱۰ سال، ۲۰ سال حق بهره‌برداری را به معدن کار می‌دهد. معدن کار به دنبال منافع خودش است حقوق دولت را که یکی یک درصد است و یکی چهار درصد است می‌پردازد که این‌ها باید در منطقه هزینه شود، در روستاهایی که آسیب می‌بینند، ولی هیچ‌وقت هزینه نمی‌شود.»

به عقیده وی شهرستان تفت دچار پدیده‌ای به نام معادن کوچک اما در کنار هم شده است که وسعت آنها با هم به اندازه یک معدن سنگ آهن بافق است؛ اما بدون مسئولیت اجتماعی و هر گونه پاسخگویی، صدور مجوز تعداد زیاد معادن کوچک و متوسط به اشخاص حقیقی در این منطقه باعث شده معدن کاران سود عظیمی ببرند و در نهایت حجم وسیعی از مناطق طبیعی، زیست‌محیطی، جاده‌های روستایی تخریب شده را به جا بگذارند و برونند چون در هر حال آنها مستأجر دولت هستند که تا چندین سال حق بهره‌برداری دارند مالک نیستند.

به واسطه تردد ماشین‌های سنگین معادنی که در محدوده جغرافیایی شهرستان میبد است تخریب شده می‌گوید: این تردد همچنین مخل رفت و آمد روستایان ساکن گلویک، شمس‌آباد، شواز و... شده است و خطرات تصادفات جاده‌ای را افزایش داده است. این در حالی است که اگر یک درصد عوارض معادن هم برای بازسازی جاده پرداخت شود در شهرستان میبد خرج می‌شود چون معادن متعلق به شهرستان تفت نیستند لذا باید از مسیر تردد همان شهرستان استفاده کنند.

ناصر حسنی فعال اجتماعی راه‌حل پیشگیری از تخریب جاده‌های روستایی را نظارت راهنمایی رانندگی می‌داند می‌گوید: «راهش این است راهداری پلیس را بردارد و برود آنجا و جریمه‌اش کنند و ماشین را بخواهاند. این امر تاکنون در روستای عبدالله و شواز اتفاق نیفتاده است.» طی پیگیری دهیاری‌ها و شورای روستاها هر گونه راه‌اندازی معدن جدید می‌بایست با هماهنگی شورای تأمین و فرمانداری تفت باشد اما متأسفانه پروانه‌های جدید همچنان در حال صدور است به نحوی اکثر مناطق روستایی تفت حتی محل مسکونی روستاییان ثبت معدن شده است و در آینده‌ای نه چندان دور مجوز بهره‌برداری می‌گیرند. همچنان که در محلی چسبیده به قنات شریف‌آباد دهشیر و همچنین دیوار به دیوار طرح هادی روستای توران پشت مجوز معدن داده شده است. بهره‌برداری از معادن اگر چه برای چند نفر درآمد کسب است اما و برای مردم و اهالی روستا ضرر و زیان است و در بلندمدت اثرات مخرب بر منابع طبیعی و میراث فرهنگی و گردشگری بر جای می‌گذارد.

آنها به واسطه نبود اعتبار و روستایی بودن و کم تردد بودن جاده سال‌ها زمان خواهد برد. محمدرضا حسنی به خرابی جاده روستای عبدالله اشاره می‌کند و می‌گوید: «جاده روستای عبدالله ۳۷ سال است ساخته شده و بهسازی نشده است. جاده‌های روستایی با کاربری روستایی و آسفالت ضعیف ساخته شده‌اند در حالی‌که عبور ماشین‌های سنگین با حمل بار سنگ به اندازه ... تن منجر به از بین رفتن این جاده‌ها شده‌اند.»

ناصر حسنی فعال اجتماعی روستای عبدالله نیز می‌گوید: جاده‌های باریک روستایی برای تردد ماشین‌هایی با بار ترافیک کم در وسعت یک روستا احداث شده و عرض کمی دارند و توان حمل و نقل‌های سنگین را ندارند.

#### ✚ معادن حق ندارند از جاده‌های

روستایی استفاده کنند

به گفته زارع عضو شورای روستای شواز اداره صمت موظف است وقتی مجوز معدن می‌دهد، زیرساختش اعم از آب، برق و راه را هم فراهم کند و در این خصوص می‌گوید: «معادن اصلاً حق ندارند از جاده‌های روستایی استفاده کنند، تخریب کنند و برونند. الان این اتفاق افتاده و جاده‌ها تخریب شده است. متولی چه کسی است؟ چرا اداره راه بیاید و از بیت‌المال هزینه کند برای تخریبی که توسط بخش خصوصی صورت گرفته؟ چرا کسی طرح دعوا نمی‌کند؟ دهیار و شورای روستا نمی‌تواند اقامه دعوا کند چون از نظر قانونی دست‌شان بسته است؛ اما اداره راه می‌تواند چون راه‌های مواصلاتی و روستایی زیرمجموعه اداره راه هستند.»

وی با بیان اینکه جاده روستای شواز

جاده‌های باریک روستایی برای تردد ماشین‌هایی با بار ترافیک کم در وسعت یک روستا احداث شده و عرض کمی دارند و توان حمل و نقل‌های سنگین را ندارند.





گفتگوی محیط زیستی پرگار با علیرضا دهقان مستندساز؛

## انسان، هارمونی طبیعت را به هم زده است

در ژانر مستند، دغدغه‌هایم بهتر روایت می‌شود



اهالی رسانه یزد، سال‌ها او را به‌عنوان عکاس مطبوعات می‌شناختند؛ اما حالا یکی از مستندسازان خوب ایران است. سال ۸۳ زمانی که دانش‌آموز بود فیلم‌سازی را شروع کرد و این شروعی بود برای ورود به عرصه فیلم کوتاه و مستند. علیرضا دهقان امروز به‌عنوان یک مستندساز یزدی عضو انجمن صنفی کارگردانان مستند سینمای ایران و مدرس انجمن سینمای جوانان ایران است و سال‌ها دبیری و داوری جشنواره‌های مختلف را در کارنامه دارد. این فیلم‌ساز یزدی، با مستندهایش که برخی رنگ و بوی محیط‌زیستی دارند در ۲۰۰ جشنواره ملی و بین‌المللی حضور داشته و بیش از ۹۰ جایزه کسب کرده است. در تازه‌ترین این جشنواره‌ها و در اختتامیه پنجاه و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، مستند سینمایی ایساتیس تندیس سیمین بهترین مستند بلند بین‌الملل را کسب کرد. این مستندساز یزدی با ساخت مستندهایی چون اوسیا، بی‌گذار و ایساتیس نشان داده که دل‌نگران محیط‌زیست سرزمین مادری‌اش است. پرگار با او از منظر دغدغه‌های محیط‌زیستی‌اش گفتگو کرده است. پس از آن صحبت‌ها به نحوه ورودش به دنیای هنر رسید.

مثل توسعه شهرنشینی، توسعه شهرها و کشورها، رشد اقتصادی، انقلاب صنعتی و توسعه کشاورزی در این امر دخیل بودند که برخی از این توسعه‌ها به تخریب وحشتناک محیط‌زیست منجر شد که مخرب‌ترین نسل در تخریب محیط‌زیست بوده‌ایم.

از زمانی که انسان به وجود آمده سرعت تخریب محیط‌زیست در این یک قرن اخیر بی‌سابقه بوده که پیامد زیاده‌خواهی انسان و توسعه‌ای که بر مبنای برنامه‌ریزی نبوده است.

ساختاری که در بخش آب، محیط‌زیست، کشاورزی و صنعت کشور وجود دارد، نیازمند بازنگری است چرا که ساختارها و حکمرانی که تا امروز بوده، بر مبنای توسعه پایدار نبوده و نتیجه آن، ناپایداری در بخش‌های مختلف بوده است.

باعث شد که انسان در پهنه کویری یک شهری را به وجود آورد و چه تعاملی انسان با محیط‌زیست داشت که در بدترین نقطه آب و هوایی یک فرهنگ و شهری با این قدمت تاریخی پابرجا ماند. این راز هماهنگی انسان با طبیعت در این منطقه بوده است.

### اهمیت نقش محیط‌زیست برای انسان معاصر مشخص است، اما این تعارضات از کجا نشئت گرفته است؟

ببینید طی سال‌های متمادی و قرن‌ها بین انسان، هوا، خاک، گیاهان، جانوران، دریا و آبیان و خیلی اجزای دیگر طبیعت هماهنگی وجود داشته اما در صدسال اخیر، ایران و کشورهای دیگر شروع به تخریب محیط‌زیست کردند و هارمونی طبیعت را به هم زدند و عوامل زیادی

### علی‌رغم استعداد در فیلم‌سازی داستانی اما بیشتر مستندهای شما در حوزه محیط‌زیست هست چه شد که به این حوزه گرایش پیدا کردید؟

من شاید سه‌الی چهار کار محیط‌زیستی داشته باشم در دهه نود اغلب دغدغه‌ها و سوژه‌هایی که به سراغم می‌آمد به‌عنوان کسی که سینما خوانده و در دانشگاه سینما تدریس می‌کند احساس کردم به‌صورت مستند بهتر روایت می‌شود و برای تبدیل شدن به مستند جذاب‌تر است. از سال ۱۳۹۴ به بعد تقریباً کارهایم محیط‌زیستی بوده مثل: اوسیا، بی‌گذار و مجموعه مستند عاصی از آن جمله است مستند ایساتیس را نمی‌توان محیط‌زیستی نام برد اما بی‌ارتباط با محیط‌زیست نبوده و ارتباط انسان و تاریخ و محیط‌زیست است و چه اتفاقی



فقدان طرح آمایش  
سرزمین به حکمرانی و  
ساختار ناپایدار  
منجر شد و این تراژدی  
با احداث صنایع  
آب‌بر و کشت محصولات  
آب‌خواه در استان‌های  
خشک مرکز ایران شکل  
گرفت.

کاغذ می‌آید به طور مثال بیان می‌شود این میزان تولید محصولات کشاورزی و صنایع افزایش یافته است اما کلمه توسعه زمانی به کار می‌رود که توسعه پایدار وجود داشته باشد اگر قرار به توسعه صنعت و کشاورزی باشد در برخی از نقاط نباید کشاورزی توسعه پیدا می‌کرد و برداشت‌های غیرمجاز آب انجام می‌شد زیرا ضرری که به محیط زیست تحمیل کرده بیشتر از فایده آن می‌باشد در واقع توسعه نیست بلکه فقط رشد آماری است. مثلاً رشد صنایع و صادرات فولاد در افق ۱۴۰۴ بیان می‌شود اما این چه رشدی است که اکثر سفره‌های زیرزمینی آب نابود می‌شود؟! یا به عنوان نمونه به رشد پسته و کشاورزی و یا خود کفایی گندم در ایران اشاره می‌شود پسته در رفسنجان، مرکبات در کرمان و خود کفایی سیب و محصولات جالیزی در غرب ایران افتخار می‌شود، اما این خود کفایی باعث تخریب تمام سفره‌های زیرزمینی در ایران شده آیا اسم این کار، توسعه است؟ توسعه واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که با یک برنامه‌ریزی هماهنگ همراه باشد و از آب در جهت توسعه و رشد امور استفاده

از نظر شما به عنوان یک  
هنرمند، ضعف‌های مدیریتی  
در محیط زیست کشور چگونه  
خودش را نشان می‌دهد؟

بار اشتغال و معیشت را بر دوش آب گذاشته‌ایم؛ در حالی که می‌توانستیم از دیگر ظرفیت‌های کشور استفاده بهینه‌تری داشته باشیم. فقدان طرح آمایش سرزمین به حکمرانی و ساختار ناپایدار منجر شد و این تراژدی با احداث صنایع آب‌بر و کشت محصولات آب‌خواه در استان‌های خشک مرکز ایران شکل گرفت. در برخی مناطق کشور تا ۱۰۰ درصد منابع آب تجدیدپذیر کشور را مصرف می‌کنیم و این مسئله منجر به بروز فرونشست‌هایی شده که مخازن زیرزمینی آب را برای همیشه از دست بدهیم؛ یعنی مخازنی که همیشه وجود داشته و با بارندگی‌ها تغذیه می‌شده را با برداشت بی‌رویه برای همیشه از دست داده‌ایم. در بخش سیاست‌های کلی و قوانین بسیار پیشرفته هستیم اما در مقام اجرا، توان پیاده‌سازی سیاست‌های مترقی را نداریم چرا که تمام دستگاه‌ها پای کار نیستند و این مشکل از بخش مدیریت دستگاه‌ها نشئت می‌گیرد؛ در بخش آب نیز دستگاه‌های ذی‌نفع دچار بحران مدیریت هستند و مدیریت یکپارچه را برای حل مشکلات آبی کشور شاهد نیستیم.

عدم توجه به تفاوت مبنایی  
رشد و توسعه به محیط زیست  
و طبیعت کشور به چه اندازه  
آسیب زده است؟

زمانی که از کلمه رشد برای شهرک‌ها، صنعت و کشاورزی سخن گفته می‌شود در واقع رشد آمار و ارقام است که روی



**به نظر شما عواقب اجرای پروژه‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن شرایط محیط زیستی کشور چه بوده است؟ چه میزان فیلم مستند قدرت تأثیرگذاری در ممانعت از تخریب محیط زیست دارد؟**

زمانی که دشت یک منطقه از نظر آب ممنوعه باشد نتیجه آن می‌شود دشت میبید و اردکان یا رفسنجان که تقریباً سفره‌های آب زیرزمینی آنها از بین رفته است یا شهر اصفهانی که توسعه صنعت باعث شد در این شهر آب‌وهوای سالمی وجود نداشته باشد بنابراین مسئله محیط زیست از بحث‌های روز دنیا است که باید به آن پرداخته شود و فیلم‌های مختلفی ساخته و در معرض دید عموم قرار گیرد تا این بار مخربی که به وجود آمده را نشان دهد تا مردم و مسئولین متوجه وخامت شرایط محیط زیستی شوند و بیش از این محیط زیستمان را

شود و به محیط زیست و محیط پیرامون آسیب نرسد. اگر بررسی شود این قدر در مصرف آب کشاورزی هدررفت آب وجود دارد که اگر تنها ۱۰ درصد صرف جویی کنیم به میزان ۴۷ سد کرج آب می‌توان ذخیره کرد. نمونه هماهنگی در حوزه مصرف آب و مدیریت مشارکتی به وسیله قنات‌ها رواج داشت در قدیم اگر در یک سال قنات‌ها پرآب بودند مردم منطقه سطح زیر کشت خود را بالا می‌بردند اما یک سال که آب کم می‌شد و به اصطلاح خشکسالی بوده سطح کشت به مراتب کمتر می‌شده است اما حال حاضر کاهشی در کشت‌هایمان در سال‌های پرآب یا کم‌آب وجود ندارد و سال به سال کشت‌ها افزایش پیدا می‌کند. چاه می‌زنیم و به حریم سفره‌های آب زیرزمینی تجاوز می‌کنیم و به زور از سفره‌ها، آب می‌کشیم غافل از آنکه این منابع آب زیرزمینی یک روز تمام می‌شود.

**چاه می‌زنیم و به حریم سفره‌های آب زیرزمینی تجاوز می‌کنیم و به زور از سفره‌ها، آب می‌کشیم غافل از آنکه این منابع آب زیرزمینی یک روز تمام می‌شود.**



است. مدعی نیستیم مستند اوسیا این کار را به تنهایی کرد اما این فیلم به مردم و مسئولان آگاهی داد و شاخک‌های جامعه را حساس کرد و تصمیم‌گیران و ادار شدند که به این قناتی که سال‌ها فراموش شده فکر کنند و در جهت احیای آن تلاش کنند که خوشبختانه سازمان میراث‌فرهنگی و جهاد کشاورزی وارد کار احیاء این قنات شدند و این میراث‌فرهنگی عظیم در زیر زمین نابود نشود و اگر ما با ساخت این آثار محیط زیستی توانسته باشیم گام کوچکی در جهت احیا و حفظ محیط‌زیست برداشته باشیم به نظر من رسالت خود را انجام داده‌ایم.

### مشکلات یک مستندساز دغدغه‌مند در این زمینه چیست؟

حمایت از هنرمند در حد شعار و حرف باقی مانده است و در عمل اتفاقی نمی‌افتد من اغلب فیلم‌هایم را با هزینه شخصی ساختم. مسئولان یزد حمایت جدی از سینماگران ندارند من حتی برای فیلم مستند سینمایی آخرم مجبور به فروش خانه‌ام شدم مگر چند هنرمند خطر می‌کنند تا این کار را انجام دهند این روند معقولانه نیست. بسیاری از سازمان‌ها در یزد موظف می‌باشند طبق قانون از کارهای فرهنگی و هنری حمایت کنند حتی یک بخش از ردیف بودجه آنها برای هزینه در کارهایی هنری است اما حمایت مسئولان در حد حرف باقی مانده است و به همین دلیل بسیاری از هنرمندان برای تداوم کار حرفه‌ای خود مجبور به مهاجرت از یزد هستند. مسئولان به خوبی با مقوله سینما آشنا هستند. میلیاردها تومان هزینه در بخش‌هایی

برای نسل‌های آینده از بین نبریم. به هر حال یک دقیقه فیلم معادل هزاران کلمه است فیلم به خاطر برد بالا و تأثیرگذاری زیادی که دارد قطعاً می‌تواند به نسبت خیلی از رسانه‌های دیگر اثرگذارتر باشد، به عنوان نمونه یک پژوهش با سسی هزار کیلومتر سفر در خصوص بحران آب در جنوب شرق ایران انجام شد و خلاصه آن در مدت دو سال یک مستند سی دقیقه‌ای بی‌گدار می‌شود. تمام افرادی که به تماشای این فیلم می‌نشینند با آثار مخرب محیط‌زیست و کشاورزی در جنوب شرق ایران آشنا می‌شوند و با پیامدهای توسعه یا رشد بی‌رویه صنعت در برخی استان‌ها آگاه شده و در ادامه با آثار مخرب تونل‌های انتقال آب و تنش‌های زیست‌محیطی که عواقب آن است پی می‌برند. مستند بی‌گدار در استان‌های یزد، اصفهان، چهارمحال و بختیاری و کرمان فیلم‌برداری شد و همان گونه که کارشناسان محیط‌زیست خیلی قبل‌تر پیش‌بینی کرده بودند جنگ‌های آینده جنگ آب است و سعی شد بسیاری از تصمیمات نادرست محیط‌زیستی که در صدد گرفته شدن بودند و بارهای مخرب محیط‌زیستی به دنبال داشتند، با به تصویر کشیدن آنها در جهت حل این بحران‌ها گامی مهم برداشته شود. مثلاً فیلم اوسیا هشدار در خصوص بار مخربی که تخلیه فاضلاب بیمارستان و خیلی از فضاها صنعتی در قنات زارچ داشته‌اند را نمایان کرد در سال‌های ۹۲-۹۳ که مرگ قنات زارچ در آستانه اعلام شدن بود اما حداقل اتفاقی که با این فیلم افتاد این بود که قنات زارچ مرگش اعلام نشود و الان بعد از گذشت ۷ سال نیمی از قنات زارچ پاک‌سازی شده

مسئولان یزد حمایت جدی از سینماگران ندارند من حتی برای فیلم مستند سینمایی آخرم مجبور به فروش خانه‌ام شدم مگر چند هنرمند خطر می‌کنند تا این کار را انجام دهند این روند معقولانه نیست.



که کمترین بازدهی را برای استان و مردم دارد هزینه می‌کنند ولی زمانی که برای معرفی این شهر و انجام پروژه‌های سینمایی که باعث اعتلای فرهنگ و هنر استان می‌شود و باید حمایت کنند، عقب‌نشینی می‌کنند. مثلاً سازمان میراث فرهنگی یک شهر جهانی چرا برای حمایت از آثار سینمایی بودجه ندارد؟ استانداری، سازمان ورزش و جوانان یا اداره فرهنگ و ارشاد استان چگونه است حمایتی انجام نمی‌دهند؟ چرا سینماگران از بودجه فرهنگی استان محروم‌اند؟! یا استانداران چرا هیچ‌گاه صنایع متعددی که در استان داشتیم را درگیر پروژه‌های فرهنگی نکردند؟! احتمالاً دغدغه نداشتند و اصلاً هنر و هنرمند برایشان اولویت نداشته است.

مثلاً سازمان  
میراث فرهنگی یک  
شهر جهانی چرا  
برای حمایت از آثار  
سینمایی بودجه ندارد؟  
استانداری، سازمان  
ورزش و جوانان یا اداره  
فرهنگ و ارشاد استان  
چگونه است حمایتی  
انجام نمی‌دهند؟

مواجه نشوند. این نشان‌دهنده وجود یک ارزش اخلاقی است که در برخی جوامع دیگر به رسمیت شناخته نمی‌شود. در نقطه مقابل، مناطق کم‌آبی را داریم که شاید به اندازه کشورهای مذکور به مقوله آب توجه نکنند در بسیاری موارد سطح توسعه یافتگی پایینی نیز دارند و بعضاً از خشونت‌های داخلی و منطقه‌ای نیز رنج می‌برند. کم‌آبی، می‌تواند ریشه بسیاری از خشونت‌ها باشد؛ چنان که به‌عنوان مثال خاورمیانه درگیر شدیدترین بحران آبی است و بسیاری از گروه‌های تروریستی در آن جولان می‌دهند. گروه‌هایی مثل بوکوحرام، داعش، القاعده و طالبان در همین منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شکل گرفته‌اند که ردپای آنها را در سوریه، عراق، افغانستان و پاکستان می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد. این شاید همان «جنگ آب» باشد. اگر کمبود آب از حد معینی فراتر رود، قطعاً مهاجرت، درگیری و جنگ و خونریزی را منتج خواهد شد این هشدار برای همه است که اگر چیدمان توسعه را به سرعت و شدت تغییر ندهیم، زیرساخت‌های استحصال انرژی‌های نورا فراهم نکنیم و به سمت توربسم پایدار در حوزه تاریخ، فرهنگ و طبیعت نرویم، ممکن است با عواقب اجتماعی و امنیتی خاصی مواجه شویم.

از نگاه شما به عنوان یک  
هنرمند، چه اقداماتی  
می‌تواند ایران را از این  
بحران‌هایی زیست‌محیطی  
خصوصاً بحران آب‌رهایی بخشد؟  
بحران آب در ایران می‌تواند تلنگری  
برای توجهی ویژه به مدیریت آب  
باشد، آمارها نشان می‌دهند بسیاری از  
کشورهایی که به این موضوع حساسیت  
نشان می‌دهند، اتفاقاً از سرانه آب بالایی  
برخوردارند. بیشترین سرانه آب دنیا  
مربوط به کشورهای مثل اتریش، نروژ،  
سوئد، دانمارک و کانادا است. درعین حال  
بیشترین میزان صرفه‌جویی و مدیریت  
مصرف سرانه آب را نیز در همین  
کشورها شاهد هستیم. مهم‌ترین قوانین  
بازدارنده و جریمه‌های سنگین مربوط به  
کشورهای مذکور است؛ کشورهایی که  
پیش‌بینی می‌شود حتی طی دوره‌های  
۲۰۰۰-۳۰۰ ساله آینده نیز با کمبود آب

در حوزه محیط‌زیست آیا  
فیلم‌های محیط‌زیست ایران  
با جهان برابری می‌کند؟  
سینمای مستند ایران یکی از  
مهم‌ترین‌ها در عرصه بین‌المللی  
است و در یک دهه گذشته پیشرفت  
قابل توجهی را در این عرصه شاهد  
بوده‌ایم و جوایز مهمی را کسب کرده‌ایم.



متأسفانه زیرساخت لازم برای ادامه کار حرفه‌ای در یزد وجود ندارد.

زیستی علیرضا دهقان با او درباره ورودش به دنیای هنر و برنامه‌های آینده‌اش حرف زدیم. خواندنش خالی از لطف نیست.

### اهالی فرهنگ و هنر یزد به‌ویژه مطبوعات ابتدا شما را به‌عنوان عکاس می‌شناسند تا یک فیلمساز؛ چطور شد که وارد عرصه هنر و مستند شدید؟

من در اوایل دهه هشتاد به علت علاقه به سینما، هنرجوی انجمن سینمای جوان شدم و همان دوره در سریال مدرسه خورشید بازی کردم البته قبل از آن در اواخر دهه هفتاد در گروه‌های تئاتری فعالیت می‌کردم. انجمن سینمایی جوان آغاز به کار فیلم‌سازی من بود و عکاسی مطبوعات و خبری را نیز با نشریه پرگار شروع کردم و در ادامه دبیر سرویس عکس پرگار شدم و با آغاز انتشار روزنامه خاتم به آنجا دعوت شده و سه سال دبیر سرویس عکاسی روزنامه خاتم نیز بودم. در آن سال‌ها در استان عکاسی خبری معنایی نداشت و نشریات به ندرت از عکاس تخصصی استفاده می‌کردند. سعی کردم تخصصی عکاسی خبری را در این دو نشریه فعال کنم و با مشاهده آرشیو مطبوعات پرگار و خاتم اهمیت آن را در می‌یابید و هم‌زمان با نشریات سراسری چون ایران ورزشی و همشهری جوان و گاهی جهان فوتبال همکاری می‌کردم. سال ۱۳۸۵ وارد رشته تئاتر و بازیگری نمایش دانشگاه هنر و معماری در شهر تهران شدم سپس کارشناسی ارشد پژوهش هنر را گذراندم و دوباره در دانشگاه هنر، ارشد سینما را دریافت کردم.

ببینید به هر حال کار کرد فیلم‌های مستند محیط‌زیست باید ورای جشنواره‌ها باشد و مخاطب آنها در حد گسترده باید مردم و مسئولین باشند، بهترین شکل برای نمایش پیامدهای حفظ محیط‌زیست و ضررهای ناشی از نابودی آن سینمای مستند است. این نوع سینما می‌تواند بسیار اثرگذار باشد تا مباحث ضروری جامعه را با هنر پیوند دهد. رفع مشکلات محیط‌زیستی در کشور نیازمند عزم جدی در حاکمیت و مردم و به موازات کار بنیادین و مستمر برای فرهنگ‌سازی و آموزش است. باید محیط‌زیست را به فرهنگ عمومی تبدیل کنیم و در این راستا استفاده از ظرفیت فیلم و سینما برای ترویج و اشاعه فرهنگ محیط‌زیست در مسیر حرکت به توسعه پایدار و جلب مشارکت مردمی برای حفظ محیط‌زیست و ایجاد حساسیت و دغدغه بیشتر در بین مسئولان و مردم بسیار تأثیرگذار است. استفاده از ابزارهای فرهنگی برای تغییر در رفتار و سبک زندگی غیرقابل انکار است. برای اینکه یک آموزه به صورت فرهنگ درآید، باید در یک فرایند مستمر و پایدار نهادینه شود. سینما و اساساً برنامه‌های فرهنگی می‌توانند نقش مؤثری را در این زمینه داشته باشند که البته اثرات این تغییر شاید در بازه کوتاه مدت و خیلی سریع مشهود نباشد، اما استمرار این برنامه‌ها می‌تواند در میان مدت منجر به توجه بیشتر به مسائل محیط‌زیست و تغییر رفتار در افراد جامعه شود.

### زیرساخت لازم برای کار حرفه‌ای در یزد وجود ندارد

بعد از شنیدن دغدغه‌های محیط

باید محیط‌زیست را  
به فرهنگ عمومی  
تبدیل کنیم و در این  
راستا استفاده از  
ظرفیت فیلم و سینما  
برای ترویج و اشاعه  
فرهنگ محیط‌زیست در  
مسیر حرکت به توسعه  
پایدار و جلب مشارکت  
مردمی برای حفظ  
محیط‌زیست بسیار  
تأثیرگذار است.

## شما خیلی زود مسیرتان در فیلمسازی مستند را پیدا کردید، اولین جوایزی که دریافت کردید در زمینه مستند و فیلمسازی چه هست؟

در سال ۱۳۸۳ برای فیلم داستانی اینجا خانه ما است جایزه جشنواره بین المللی فیلم کودکان و نوجوانان استرالیا را دریافت کردم در سال ۱۳۸۵ جایزه اول جشنواره رشد را برای فیلم من فقط ایدز دارم، اخذ کردم و در سال ۱۳۸۷ برای مستند نخل درخت زندگی منتخب اکثر جشنواره های داخلی چون جشنواره فجر، رشد و فیلم کوتاه تهران، خانه سینما، رویش و... شدم در همان سال ۸۷ عضویت خانه سینما و انجمن مستندسازان مفتخر گردیدم. تاکنون ۱۷ الی ۱۸ فیلم کوتاه و مجموعه و سریال مستند ساخته ام. البته برخی من را به عنوان مستندساز می شناسند در حالی که در سال های اول، کار داستانی انجام می دادم و جایزه جشنواره سینمای جوان را به عنوان استعداد جوان فیلمسازی برای یک فیلم داستانی به من اهدا شد.

## از فیلم کوتاه شروع کردید نگاهتان به فیلم کوتاه چطور است؟ به عنوان یک مدیوم مستقل یا راهی برای رسیدن به سینمای بلند؟

بگذارید با این جمله شروع کنم که فیلم کوتاه را نه تنها نمی توان نمونه ای از یک فیلم بلند فشرده شده تعبیر کرد بلکه تماماً متفاوت است! روایت و قالبی که فیلم کوتاه دارد، در فرمول های یک فیلم بلند خلاصه نمی شود و لزوماً در گرو عناصری چون کشمکش، شخصیت ها،

دیالوگ ها و ... نیست! فیلم کوتاه، مقوله مستقلی است و زیبایی شناسی خاص خودش را دارد. هر فرم بیانی را نمی توان به راحتی در سینمای بلند تجربه کرد. سینمای بلند از نظر اقتصادی سرمایه بالایی می طلبد و نمی شود بی محابا روی این سرمایه ریسک کرد. ولی در عرصه فیلم کوتاه باتوجه به بودجه کمتر، راحت تر می توان دست به ریسک زد. سینمای هر کشوری برای بالندگی نیاز به فعالیت فیلم سازان کوتاه حرفه ای دارد. از طریق فیلم کوتاه است که می توان فرم های تازه را تجربه کرد و به واسطه تجاری که از آن ها به دست می آید، به سینمای بلند نفس تازه دمید و شیوه های روایی جدیدی پیشنهاد داد. از این موضوع که بگذریم، برخی از ایده ها ذاتاً فیلم کوتاهی هستند و فقط در مدیوم کوتاه جواب مناسب می دهند. در سینمای بلند خودمان گاه با فیلم هایی روبرو می شویم که می شد آن ها را به یک فیلم کوتاه خوب تقلیل داد که فیلم ساز با شاخ و برگ دادن، آن را در شکل یک فیلم بلند متوسط عرضه کرده است. اگر به فیلم کوتاه به عنوان یک حوزه مستقل با جایگاه درخور نگاه شود، سینماگران حرفه ای کمتر ایده های کوتاهشان را به فیلم بلند تبدیل می کنند. یکی از دلایلی که باعث می شود سینماگران تمایلی به ساخت فیلم کوتاه نشان ندهند، بحث کمتر دیده شدن این نوع فیلم ها و محدودیتشان در اکران است. فیلم ساز وقتی بازتاب کمی از ساخت فیلم کوتاه دریافت می کند، انگیزه برای ساخت فیلم کوتاه ندارد اما اغلب در سینمای کشور ما فیلم کوتاه را مسیری برای رسیدن به سینمای بلند می دانند و وقتی فیلم ساز موفق

اگر به فیلم کوتاه به عنوان یک حوزه مستقل با جایگاه درخور نگاه شود، سینماگران حرفه ای کمتر ایده های کوتاهشان را به فیلم بلند تبدیل می کنند.



می‌توانیم به‌عنوان محل فیلم‌برداری انتخاب کنیم و لاغیر... دیگر هیچ‌گونه حمایتی نه مادی و نه معنوی انجام نمی‌شود. گاهی برخورد مسئولین و مدیران و تصمیم‌گیران توهین‌آمیز است و برخی اوقات تصمیمات و رفتارهایی از خود بروز می‌دهند تا تو را دلسرد کنند. این را علیرضا دهقان می‌گوید که ۱۵ سال است حرفه‌ای مشغول کار است نه یک فیلمساز جوان و تازه‌کار که هفت‌خان را باید طی کند تا بتواند کار حرفه‌ای و اصولی کار کند. در رابطه با برخورد برخی مدیران و نبود زیرساخت لازم در یزد برای تولید و رونق سینمای استان یک گفتگوی مفصل با مدارک و دلایل و شواهد در خدمتتان خواهیم بود.

### هنوز هم با مطبوعات همکاری دارید؟

بله ولی خیلی کم. به‌هر حال کارهای فیلمسازی بسیار وقت‌گیر هست ولی به‌خاطر اینکه کامل از فضای مطبوعات جدا نشوم در تهران مجوز یک ماه‌نامه سینمایی را گرفتم و چند شماره منتشر شد ولی فعلاً به‌خاطر شرایط کرونا چاپ نمی‌شود، الان با مطبوعات در حد یک گفتگو و یادداشت و با پروژه عکس همکاری دارم.

### برنامه‌های آینده‌تان در زمینه فیلمسازی؟

در حال طراحی فیلمنامه یک کار داستانی و پژوهش یک فیلم مستند هستیم. یک مستند سینمایی آماده تولید و یک کتاب عکس آماده چاپ دارم که منتظر فراهم کردن بودجه‌هایشان هستیم تا بتوانم در آینده هم کتاب را منتشر و هم فیلم را شروع کنم.

به ساخت فیلم بلندش می‌شود، دیگر رغبتی به ساخت فیلم کوتاه ندارد.

### من فقط ایدز دارم مستندی در حوزه اجتماعی است چه شد که دیگر در این حوزه مستندی نساختید آیا در آینده برنامه‌ای برای ساخت مستند در حوزه اجتماعی دارید یا محیط‌زیست را به‌عنوان مستندساز حرفه‌ای قرار است دنبال کنید؟

من بعد از من فقط ایدز دارم چندین مستند اجتماعی دیگر کار کردم. چهار کار من با موضوع محیط‌زیست است. نه هدفم این نیست فقط در یک‌گونه یا موضوع کار کنم. ممکن است موضوع بعدی کار من محیط‌زیست یا تاریخی یا ورزشی یا شاید هم سیاسی باشد. هر موقع سوژه‌ای برایم جذاب باشد و بدانم با یک اثر هنری می‌توانم به آن موضوع کمک کنم به سراغش خواهم رفت و آن را برای یک تفسیر خلاقانه برای تولید یک اثر هنری به فیلم مستند یا داستانی و یا شاید یک فریم عکس تبدیل می‌کنم.

### مستندسازی را از یزد شروع کردید اما در ادامه کار مهاجرت کردید آیا دلیل این مهاجرت عدم وجود زمینه پیشرفت در یزد می‌دانید؟

متأسفانه زیرساخت لازم برای ادامه کار حرفه‌ای در یزد وجود ندارد. ما اغلب به‌خاطر اینکه دوست داریم سوژه‌هایمان بیشتر در شهر خودمان باشد تمام مراحل کاری، مالی آن را در تهران انجام می‌دهیم و فقط یزد را

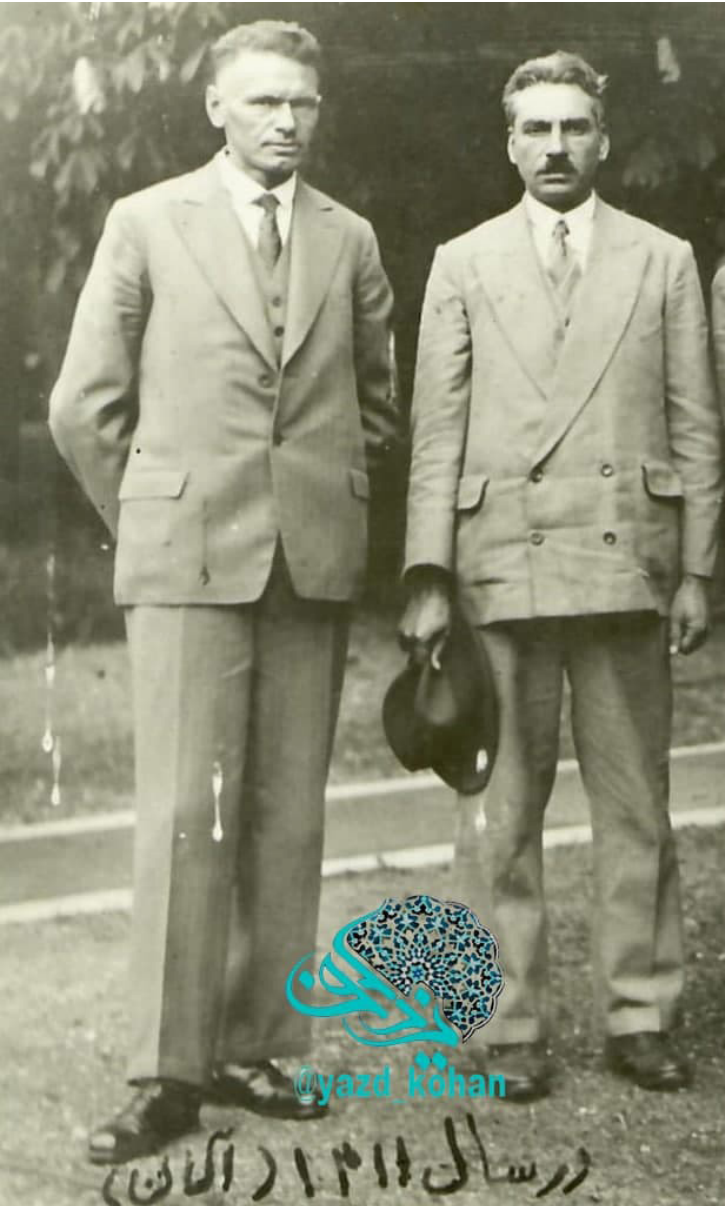


هر موقع سوژه‌ای برایم جذاب باشد و بدانم با یک اثر هنری می‌توانم به آن موضوع کمک کنم به سراغش خواهم رفت و آن را برای یک تفسیر خلاقانه برای تولید یک اثر هنری به فیلم مستند یا داستانی و یا شاید یک فریم عکس تبدیل می‌کنم.



# فرهنگ و ادب

- نگاهی به زندگی استاد غلام صنعتی پدر صنعت نساجی نوین یزد
- گویی به پناه آمده در نزد تو خورشید
- شرحی بر زندگی استاد ایرج افشار (بخش نهم)



نگاهی به زندگی استاد غلام صنعتی

پدر صنعت نساجی نوین یزد

## کارخانه‌ای برای همه مردم شهر

شادی شفیع



تاریخ بازی‌های عجیبی دارد؛ گاهی باعث می‌شود که انسان‌هایی به حاشیه فراموشی سپرده شوند که از کسانی که برگه‌های بی‌شماری از تاریخ را اشغال کرده‌اند، مهم‌تر، محترم‌تر و مفیدتر هستند؛ مثل استاد غلام صنعتی پدر صنعت نساجی نوین یزد.

استاد غلام صنعتی پدر نساجی یزد - دکتر موسیوفانزیکمان در آلمان

▲ آموزش و انتقال تجربه - ۱۳۱۱ خورشیدی - منبع: آقای علی شهابی نژاد

### ✦ روایت غلام

داستان ما به دوره سلطنت ناصرالدین شاه بر می‌گردد. روزگاری سه برادر از روستای توران پشت به هوای زیارت امام رضا (ع) راهی شهر مشهد می‌شوند. این سه برادر توانایی خرید چهارپایی برای سفر را ندارند به همین دلیل به شهر یزد که می‌رسند، برادر کوچک‌تر خود که رضا نام دارد در این شهر جا می‌گذارند و سفر را بدون او ادامه می‌دهند؛ سفری که هیچ‌وقت بازگشتی ندارد. ما هم کنار رضا در شهر یزد می‌مانیم و داستان را ادامه می‌دهیم. رضا در یک مغازه سلمانی مشغول به کار می‌شود. بعد از مدتی به نساجی روی می‌آورد و ازدواج می‌کند اما فرزندان او به دلایل نامعلومی از دنیا می‌روند. رضای نساج نام آخرین پسر خود را که در سال ۱۲۵۷ هجری شمسی به دنیا آمد را غلام می‌گذارد.

### ✦ حالا او استاد غلام است

داستان ما، روایت زندگی غلام است. غلام عمری بلند و بابرکت دارد و در طول زندگی خود، ۶ سلطنت را به چشم دیده یعنی ۱۸ سال پایانی دوره ناصرالدین شاه، دوره مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه، احمدشاه، رضاشاه پهلوی و محمد رضاشاه پهلوی. استاد غلام صنعتی ۱۰ سال قبل از انقلاب از دنیا می‌رود. غلام حتی سواد خواندن و نوشتن نداشت و شغل پدر یعنی نساجی را دنبال می‌کند. او نزد یکی از استادان

ترمه‌باف و زرّی‌باف به نام حاجی علی تقی سلیمان شاهی، شاگردی می‌کند و به دلیل استعدادی که دارد، طولی نمی‌کشد که در زمینه زرّی‌بافی و ترمه‌بافی به استادی می‌رسد و حالا او استاد غلام است.

### ✦ تأسیس کارخانه عبا‌بافی

استاد غلام در جوانی به زیارت کربلا می‌رود و در آنجا با یک عبا‌فروشی که اصالت ایرانی هم دارد آشنا می‌شود و تصمیم می‌گیرد که همان جا یک کارخانه‌ای برای عبا‌بافی تأسیس کند. بعد از مدتی با کوله‌باری از تجربه به یزد بر می‌گردد. بعد از بازگشت تصمیم می‌گیرد که با تبدیل دستگاه قدیمی به دستگاه ماکو پُران یک تحولی در میزان تولید و کیفیت محصولات نساجی یزد ایجاد کند که موفق هم می‌شود.

### ✦ سوت کارخانه اقبال

خلاقیت و نبوغی که استاد غلام در کار خود داشته باعث می‌شود که ۱۰۰ سال پیش، یعنی در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی با همکاری امیر خان کور اوغلی که بازرگانی خوشنام و تحصیل کرده و پیش‌گام نساجی مدرن یزد، است، به آلمان برود و نخستین دستگاه بافندگی ماشینی را به همراه یک دستگاه مولد برق از آلمان خریداری می‌کند و با خود به یزد می‌رود. اما آوردن این دستگاه از آلمان به یزد هم حکایتی شنیدنی دارد.

ماشین آلات عظیم کارخانه نساجی با یک کشتی به بندر بوشهر آورده‌اند. استاد غلام تمام بخش‌های کارخانه را تکه‌تکه باز کرده و آنها را بر بیش از ۵۰۰ شتر بار می‌زند و با قافله شتر مسیر بوشهر تا یزد را طی می‌کند. در یزد استاد غلام خودش همانند یک تکنیسین این دستگاه‌ها را دوباره مونتاژ کرده و سوت کارخانه اقبال یزد به صدا در می‌آید. حالا او در یزد به نام استاد غلام صنعتی معروف و مشهور است.

### ✦ کارخانه درخشان یزد

اما ۵ سال بعد در سال ۱۳۰۵ شمسی درست در زمانی که هنوز هیچی نشان‌های از برق در یزد نبود، یعنی ۴ سال پیش از آن که مهربان کاووسی اولین مولد برق را در یزد دایر کند، استاد غلام در جشن تاج‌گذاری پهلوی اول، در باغ دولت‌آباد با ابتکاری دستگاه چراغ برقی را راه‌اندازی می‌کند که موجب شگفتی و تعجب همگان می‌شود. بعد از مدتی با کمک و هدیه همشهریان زرتشتی یک ژنراتور برای مسجد جامع یزد خریداری و راه‌اندازی می‌کند. در سال ۱۳۱۰ شمسی استاد غلام صنعتی به درخواست حسینعلی هراتی برای خرید ماشین آلات و دوره کارآموزی مجدداً به آلمان می‌رود و بعد از ۲ سال به ایران بازمی‌گردد و کارخانه درخشان هراتی یزد را راه‌اندازی می‌کند.



### ❖ کارخانهٔ سعادت نساجان یزد

استاد غلام صنعتی تصمیم می‌گیرد در مهرماه هجری سال ۱۳۲۵ شمسی به‌منظور حفظ، حمایت، ترقی و توسعهٔ صنعت نساجی یزد با شراکت افشار کم‌درآمد، کارخانهٔ سعادت نساجان را با چهارصد و پانزده هزار سهم پایه‌گذاری کند که عمدهٔ سهام‌داران آن کارگران بوده‌اند. البته استاد غلام جمعی از بانوان گرد را به‌عنوان کارگر به یزد دعوت می‌کند تا بانوان یزدی نیز بتوانند کار کردن در محیط کارخانه و در کنار مردها را بپذیرند.

استاد غلام صنعتی همچنین تفکر ساختن اولین مرکز فنی حرفه‌ای ایران را در کنار کارخانهٔ سعادت نساجان یزد برای تأمین نیروی آموزش‌دیده در صنعت یزد را تحت عنوان آموزش‌گاه صنعتی ارائه می‌کند که متأسفانه شکل نمی‌گیرد.

### ❖ اولین شرکت تعاونی ایرانی

زندگی استاد غلام صنعتی حداقل از سه زاویه در حیات اقتصادی یزد بسیار مهم است. او پدر صنعت مدرن نساجی یزد است و دیگر اینکه استاد غلام پایه‌گذار اولین شرکت تعاونی ایرانی است که حتی افشار بسیار کم‌درآمد مانند کارگران نیز توانستند در آن صاحب سهم شده و برای خودشان کار کنند. او پایه‌گذار اندیشهٔ نخستین مرکز فنی حرفه‌ای است. استاد غلام صنعتی تا اواخر عمر خود به‌عنوان مدیر فنی کارخانه سعادت نساجان یزد مشغول به کار بود و سرانجام در روزهای پایانی اسفند ۱۳۴۷ هجری شمسی در سن ۹۰ سالگی از دنیا رفت.

### ❖ روایتی از خرید سهام کارخانه

خبر تأسیس کارخانهٔ استاد غلام باعث شد که نور امیدی در دل شعرباغ‌های محله‌های پایین شهر روشن شود. وقتی خبر رسید کارخانه به‌زودی راه‌اندازی شود و اقدام به فروش سهم کرده، شعرباغ‌ها دست به فروش وسایل خانه زدند و از مخارج زندگی تا توانستند کم کردند و اقدام به خرید سهم کارخانه کردند. قبل از این هم مؤسسه‌سین سه میلیون ریال سهم شرکت را تعهد و قراردادی را هم امضا کرده بودند تا برای فرزندان سهام‌داران آموزشگاهی تأسیس کنند تا ساخت دستگاه و بافت پارچه را آموزش دهند.

محمود ملک ثابت در کتاب روزگار محمود روایتی از تلاش مردم برای خرید سهم، آورده است که در قسمتی از آن آمده: «مرحوم پدرم گفت یک روز درحالی که از بانک ملی که آن روزها در محل خانهٔ صدی‌ها واقع در بازار شاهزاده فاضل قرار داشت، بیرون آمدم یکی از شعرباغان را دیدم با یک‌دست، دست پسرش را که تا حدود هشت سال سن داشت گرفته بود و با دست دیگر یک اسکناس ده‌تومانی و با شوقی عجیب می‌گفت آمده‌ام برای (حسنک) (حسن پسر) سهم کارخانه خریداری کنم. مرحوم پدرم که خود یکی از مؤسسه‌سین کارخانه نساجان بود می‌گفت نگاه کردم دیدم حسنک کفش به پا ندارد. او با پاهای برهنه با پدرش به بانک آمده بود».

منابع: کتاب یادگارهای یزد نوشته ایرج افشار، وب‌سایت یزد کهن، کتاب روزگار محمود نوشته محمود ملک ثابت

### استاد غلام صنعتی

تصمیم می‌گیرد در مهرماه هجری سال ۱۳۲۵ شمسی به‌منظور حفظ، حمایت، ترقی و توسعهٔ صنعت نساجی یزد با شراکت افشار کم‌درآمد، کارخانهٔ سعادت نساجان را با چهارصد و پانزده هزار سهم پایه‌گذاری کند.





درباره میرزا محمد جیحون یزدی

## گویی به پناه آمده در نزد تو خورشید

میرزا محمد جیحون یزدی ملقب به «تاج الشعرا» یکی از شاعران مشهور یزدی دوره قاجار بود. جیحون در سال ۱۲۱۶ خورشیدی در محله گازرگاه یزد زاده شد. نسبت او از سوی پدر به شاه شجاع، از امرای آل مظفر می‌رسد. در نوجوانی صرف و نحو عربی و علم عروض را آموخت و همچنین به حرفه حکاکی نیز اشتغال داشت.

از آثار جیحون می‌توان به دیوان او اشاره نمود که شامل ستایش بزرگان زمان بود و در سال ۱۳۱۶ توسط انجوی شیرازی در بمبئی به چاپ رسید و در مکتب‌خانه‌های آن زمان به‌عنوان کتاب درسی استفاده می‌شد. از دیگر آثار او مناقب و مرثیاتی امام حسین و واقعه کربلا بود که هم به نثر و هم به نظم نگاشته شده بود. جیحون مجموعه‌ای به تقلید گلستان سعدی و منظومه دیگری با عنوان نمکدان نیز دارد. دیوان شعر او یک‌بار در ۱۳۱۶ هجری قمری در بمبئی و دو بار به سال‌های ۱۳۳۶ خورشیدی و ۱۳۶۳ خورشیدی در تهران به چاپ رسیده است. جیحون در سال ۱۲۶۱ خورشیدی در کرمان از دنیا رفت و در خواجه خضر به خاک سپرده شد.

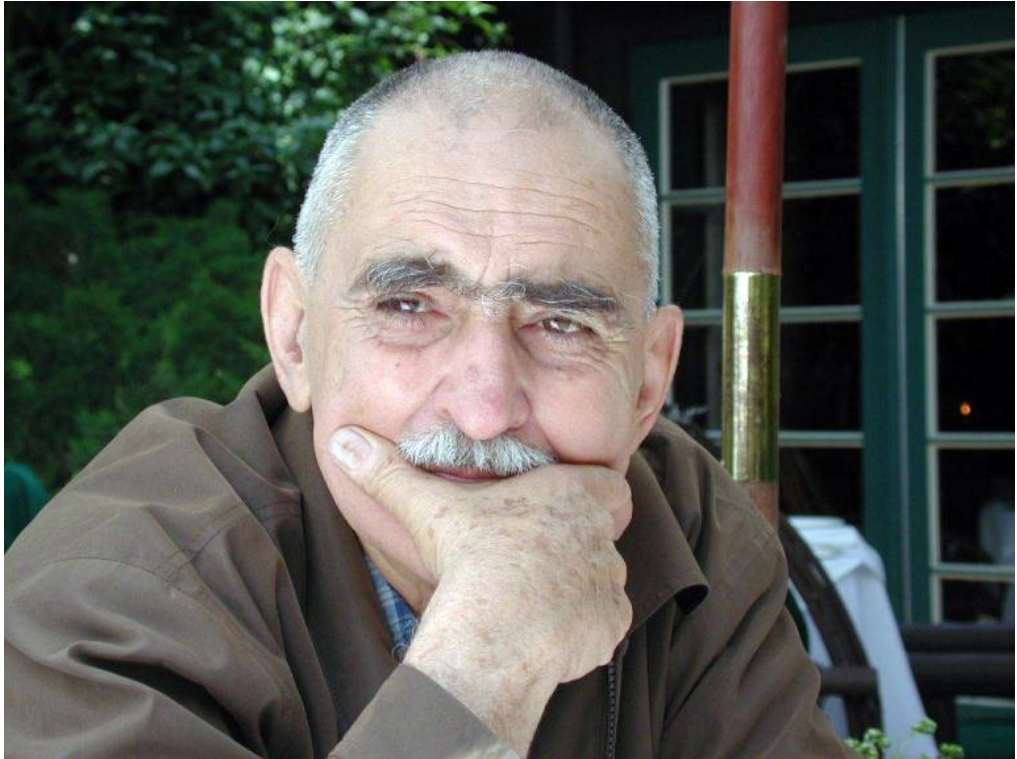


مرا تُرکی است مشکین موی و نسرين بوی و سیمین بر  
 سُهالِب، مشتری غبغب، هلال ابروی و مَه پیکر  
 چو گردد رام و گیرد جام و بخشد کام و تابد رخ  
 بُوَد گلبیز و حالت خیز و سحر انگیز و غار نگر  
 دهانش تنگ و قلبش سنگ و صلحش جنگ و مهرش کین  
 به قد تیر و به موقیر و به رخ شیر و به لب شگر  
 چه بر ایوان، چه در میدان، چه با مستان، چه در بستان  
 نشیند تُرُش و گوید تلخ و آرد شور و سازد شُر  
 چو آید رقص و دزدد ساق و گردد دور، نشناسم؛  
 ترنج از سُست و سُست از دست و دست از پا و پا از سر!!



خورشید گریزان بودت در خم گیسو  
 زین حلقه بدان حلقه و زین سوی بدان سو  
 گویی به پناه آمده در نزد تو خورشید  
 زین دست به دامان شدنش با خم گیسو  
 زلفین تو بالعل تو این گونه که شد رام  
 مانا که خریدار شکر آمده هندو  
 چشمت به چه ماند به یکی مردم بیمار  
 کز ضعف فروخفته در آن دامن ابرو  
 رخشنده بود روشنی روی تو از پشت  
 تابنده بود نازکی پشت تو از رو  
 بر هر لب جویی که به گلشن بنشیند  
 از عشق تو آب ایستد و نگذرد از جو  
 گر نقش رخ و زلف تو در باغ نگارند  
 از گل پیرد رنگ و ز سنبل برود بو  
 از روی تو جنت بود آراسته‌تر کی؟  
 وز موی تو دیوانه‌تر دریافت شود کو؟  
 چشمان تو آهوست ولی مژه‌اش از شیر  
 سر پنجه بدزدید به نیرنگ و به نیرو





شروخی بر زندگی استاد ایرج افشار (بخش نهم)

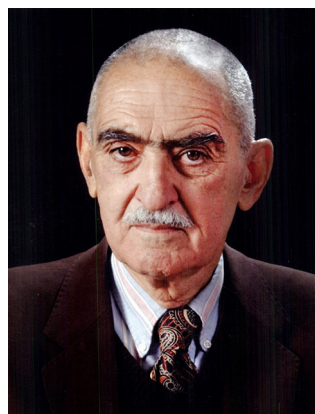
## بر قله دانش و فرهنگ ایران

در سال ۱۳۷۵ مهم‌ترین کتاب افشار در حوزه یزدشناسی به نام: یادگارهای یزد (۲ جلد) در یزد تجدید چاپ شد و همو دیباچه‌ای بر دیوان مجد همگر یزدی نوشت. علاقه به یزد، همواره در اندیشه و جان افشار جاری بود، چنان‌که به هنگام فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی فارسی، این سخن بر زبانش می‌آید:

حسین مسرت







من معمولاً از این گونه  
 فهرست‌ها، نام  
 یزدی‌هایی را که  
 کتاب تألیف کرده یا  
 نسخه‌ای کتابت کرده‌اند،  
 برای مجموعه یزدیان  
 خود بیرون می‌آورم  
 و بر برگه‌های گردآوری  
 شده می‌افزایم  
 تا کی نظمی بیابد  
 و کی چاپ شود.

«من معمولاً از این گونه فهرست‌ها، نام یزدی‌هایی را که کتاب تألیف کرده یا نسخه‌ای کتابت کرده‌اند، برای مجموعه «یزدیان» خود بیرون می‌آورم و بر برگه‌های گردآوری شده می‌افزایم تا کی نظمی بیابد و کی چاپ شود.» افشار در ۲۵ دی ۱۳۷۵ برای فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی کتابخانه ملی اتریش، به مدت یک ماه راهی اتریش شد و در همین مدت کوتاه ۳۰۹ دست‌نویس را بازبینی و یادداشت‌برداری کرد.

در کارنامه سال ۱۳۷۶ وی به غیر از چاپ کتاب، دو عضویت هم دیده می‌شود، نخست در شورای عالی علمی مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی و دیگر عضو افتخاری انجمن مطالعات ایرانی در آمریکا. افشار به غیر از همگامی در برنامه‌های پژوهشی مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی در زمینه مسائل ایران‌شناسی، بر فعالیت‌های کتابخانه و مرکز اسناد آن نیز نظارت داشت (مقاله آذرنگ). در بهار ۱۳۷۶ (مه ۱۹۹۷)، افشار سفری به آکسفورد داشت و سخنرانی خود را با عنوان «فرهنگ و ترجمه در قرن نوزدهم در ایران» در دانشگاه آکسفورد ایراد کرد.

رخداد شایسته سال ۱۳۷۷ چاپ دو جلد کتاب با نام «ارج‌نامه ارج» به کوشش محسن باقرزاده در بر دارنده چندین گفتار درباره فعالیت‌های پژوهشی و علمی و فرهنگی اوست که نخستین بار چنین کار بایسته‌ای انجام می‌شود، آن هم برای فردی که در این شصت سال، گریزان از هر گونه ارج‌گذاری و بزرگداشت بود و بی‌درنگ مجموعه‌ای دیگر هم با نام «ایران و تحقیقات ایران، جستارهایی به افتخار ارج افشار» به کوشش کامبیز

اسلامی در آمریکا چاپ شد. عضویت در شورای عالی مشاوران کتابخانه ملی ایران که تا سال ۱۳۸۴ ادامه داشت، وزنی به این شورا داده بود. وی از ۲۸-۳۱ مرداد برای شرکت و سخنرانی در سومین مجمع صفوی شناسی که در دانشگاه ادینبورگ با حضور اروپائیان و ۹ ایرانی مقیم در ایران و آمریکا و چند کشور اروپایی برگزار می‌شد، راهی اسکاتلند و در آذر برای حضور در مجمع مؤتسسه الفرقان درباره نسخه خطی اسلامی راهی لندن شد.

نیز در این سال با همت و پشتکار خود توانست، دومین دفتر یزدنامه را که حاوی گفتارها و عکس‌هایی از خودش و دیگران درباره یزد بود، در دسترس یزد شناسان بگذارد؛ این مجموعه، جزء گنجینه ارمغان محمد طاهری به شهر یزد است که در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین (ش ۴۱) چاپ شد. این گنجینه هم به همت افشار پا گرفته بود.

به همت مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، در روزهای ۵-۶ فروردین ۱۳۷۸ کنفرانس فردوسی با حضور و سخنرانی ۱۲ دانشمند شاهنامه پژوه از جمله دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، دکتر جلیل دوستخواه، ریچارد دیوید، ارج افشار، جروم کلینتون و غیره در محل دانشگاه برگزار شد.

«آخرین دیدار من با ارج افشار در همایش شاهنامه شناسی دانشگاه هاروارد بود. گویا آن زمان از ژاپن به آمریکا آمده بودند. نشست بسیار پرشوری بود. نکته کلیدی درباره افشار این است که او اهل اتاق‌های سرد در بسته و پشت میز نشینی یا به تعبیر ساده و عامیانه میرزا بنویس ادبیات و

فرهنگ و تاریخ و ایران شناسی نبود، بلکه ضمن آن همه دقت درباره نسخه های خطی و متن های کهن و تصحیح و انتشار آن ها و غفلت نکردن از هر آنچه درباره فرهنگ ایران به چاپ می رسید.»

کنفرانس «هنر روزگار قاجار» که از سوی مؤسسه ایران شناسی بریتانیا و مرکز مطالعات خاور میانه و نزدیک، وابسته به مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و بنیاد میراث ایران از ۱۰ تا ۱۳ شهریور ۱۳۷۸ در لندن برگزار می شد، وی به عنوان سخنران شرکت کرد. هم در آبان ماه راهی لندن شد تا در پنجمین کنفرانس مؤسسه الفرقان شرکت کند دیگر کنفرانسی که شرکت کرد، «مثنوی سرایی فارسی» بود که دانشگاه UCLA در لس آنجلس برگزار می کرد.

دل کندن از دل بستگی ها شاید سخت ترین تصمیم در زندگی باشد، آن هم برای پژوهشگری چون افشار که یک عمر در تلاش و کوشش برای گردآوری ارزنده ترین کتاب ها، اسناد، مدارک و عکس های تاریخی، ادبی و مرجع از سراسر جهان بوده است. بی گمان یکی از کتابخانه های شخصی مهم ایران، کتابخانه افشار بوده است، او نخست قصد داشت آن را به دانشگاه یزد بسپارد، اما رفتار نادرست برخی از مدیران وقت دانشگاه یزد، او را از این کار پرهیز داد، پس در ۱۳۷۸/۸/۱۲ تمامی داشته های خود را طی نامه ای به مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی بخشید. ارزشمندترین مدارک این مجموعه، هزاران برگه یادداشت و فیشی است که در طول عمر خود اندوخته است.

«این مجموعه حدوداً بالغ بر ۳۰۰۰۰ فقره چاپی و خطی است. از این تعداد،

جز کتاب ها و مجلدات و نشریات، حدود ۶۰۰۰ فقره شامل جزوه، رساله، برگرفته، جلدانشرها از مجموعه ها و نشریات است که شمار بسیاری از آن ها حاوی اطلاعات بازارش و کم نظیر است. بیش از ۱۰۰۰۰۰ قطعه عکس از شخصیت ها، بناها، آثار تاریخی، مناظر و جز آن که ایرج افشار شخصاً برداشته و شماری از آن ها در نوع خود تصویرهایی منحصر به فرد است و حدود ۱۰۰۰۰۰ نامه هم از رجال معاصر، از ایران شناسان خارجی، شخصیت های فرهنگی ایرانی از صنوف مختلف که بخشی از آن ها ارزش های تاریخی و ادبی دارد.»

سال ۱۳۷۹ عضو شورای علمی مجله نامه بهارستان به صاحب امتیازی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی گردید (تا ۱۳۷۹) و هم نظارت بر نشر «گنجینه نسخه برگردان متون فارسی» سازمان گسترش فرهنگ پارسی در آمریکا را عهده دار شد.

در این سال «سعادت نامه یا روزنامه غزوات هندوستان» نوشته غیاث الدین علی یزدی به کوشش افشار چاپ شد و باز فراغت های پیش آمده و آزادی های پس از آن باعث شد سفرهای دور و درازی به گوشه و کنار ایران داشته باشد، از شرق به غرب، از شمال به جنوب.

«برای سفرهای ایران شناسی در هر گوشه و کنار از ایران و دور افتاده ترین دوستان و قبیله ها و طایفه های ایرانی میهنش، همیشه کفش و کلاهش آماده بود. هر کجای ایران در جستجوی کوچک ترین نشانه های آثار فرهنگی مربوط به زمان گذشته بود. خواه سنگ قبر یا کتیبه ای کوچک یا نوشته ای بر پارهای از پوست، چرم یا کاغذ و خلاصه هر آنچه بتواند بخشی از این یادگارهای

سال ۱۳۷۹ عضو  
شورای علمی مجله  
نامه بهارستان به  
صاحب امتیازی کتابخانه،  
موزه و مرکز اسناد  
مجلس شورای اسلامی  
گردید.

تحقیقات اسلامی، سیمای فضیلت یزد، نامه فرهنگستان، جهان کتاب، نگاه نو، فرهنگ ایران زمین، گلستان، آیینۀ میراث، فرهنگ، فصل نامه شقایق، بخارا، میراث، شهاب، رواق، خبرنامه خراسان شناسی، فرهنگ یزد، لرستان پژوهی، عکس نامه، ایران فردا، فصل نامه کتاب، زبان شناسی، کتاب ماه تاریخ، و تحقیقات جغرافیایی، ویژگی بارز مقالات این دهه افشار، نشر مقالات غیرفارسی است.

آغاز سال ۱۳۸۰ (۸-۱۰ فروردین)، همراه بود با سفر افشار برای سخنرانی در مجمع نسخه‌های خطی به ابتکار مؤسسه آلمانی شرق در استانبول (وابسته به انجمن شرق شناسان آلمان)، عنوان سخنرانی او: «راه‌های نظری درباره نقل و تصحیح نسخه‌های خطی اسلامی» بود و در تابستان هم برای دیدار از ایرانستیک آکادمی علوم اتریش راهی وین شد.

در این سال افشار به عضویت شورای ناظران مجله Eurasian studies ایتالیا درآمد (تا سال ۱۳۸۹) و هم «دفتر تاریخ» را برای چاپ اسناد و رساله‌های کوچک در انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار، بنیان کرد که تا زمان حیات، پنج دفتر را چاپ کرد. همو در سال ۱۳۸۰ با زرس و سرپرست عالی بنیاد موقوفات افشار شد.

«یزد در اسناد امین الصّرب» عنوان چهل و دومین کتاب سلسله فرهنگ ایران زمین و ششمین کتاب گنجینه بشارت در حوزه یزد پژوهی است که به همت او و همراهی دکتر اصغر مهدوی در سال ۱۳۸۰ چاپ شد.

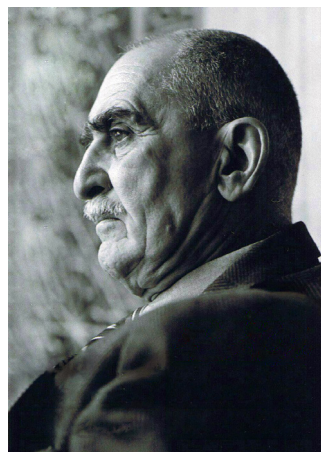
«این کتاب شامل زبده‌ای از مندرجات نامه‌های بازرگانان و نمایندگان طرف

فرهنگی را منعکس کند، نتایجش را هم که در آثارش منعکس شده دیده‌ایم ... بزرگان ما کمتر این ویژگی را داشتند. در میان آن‌ها شاید بشود تنها صادق هدایت را مثال زد که در گردآوری زبان و فرهنگ مردم نقش بزرگ و مهمی داشت و بنیادگذار و آغازگر شناخت فرهنگ توده در ایران بود.»

افشار در مهر ۱۳۷۹ برای شرکت در سومین کنفرانس قواعد نسخه‌شناسی و وراقی خاورمیانه که به مدت سه روز و با حضور ۳۳ نفر از گوشه و کنار گیتی در شهر بولونیا ایتالیا برگزار می‌شد، همراه دکتر مهدوی و دکتر مرعشی و خانم افکاری شرکت کرد. در آبان، جشن‌های بیستمین سال تأسیس مؤسسه تحقیقات فرهنگی کنفرانس اسلامی (IRCIIA) در استانبول برگزار شد. افشار که به این مراسم دعوت شده بود، از کتابخانه‌های ترکیه و دانشگاه آنکارا هم دیدن کرد. آخرین سفر علمی افشار در این سال، سفر به وین برای ادامه فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی کتابخانه ملی اتریش بود.

«در دهه هفتاد، افشار افزون بر مسئولیت‌های پیشین، به طور افتخاری عضویت هیئت‌هایی را نیز پذیرفت. چاپ ۷۷ کتاب، نگارش مقدمه و یادداشت بر ۳۶ اثر» هم از او دیده می‌شود و نیز مقالاتی که در مجموعه و یادنامه‌ها و نشریه‌های زیر چاپ شده، از آن جمله است:

آینده، کلک، فصل کتاب، فصل نامه تئاتر، آدینه، ایران شناسی، کتاب پاژ، دنیای سخن، نشر دانش، ایندوایرانیکا، گلچرخ، گیلان نامه، ره‌آورد، تصویر، آیینۀ پژوهش، کرانه، ایران نامه، سالنامه گل آقا، گیله وا، گردون، معارف،



آخرین سفر علمی افشار در این سال، سفر به وین برای ادامه فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی کتابخانه ملی اتریش بود.

وقتی در این سال، ویرایش دوم تذکره میکند که چاپ نخست آن با همت و پیگیری و تشویق او چاپ شده بود، از زیر چاپ به درآمد، در یادداشتی کوتاه و تشویق گونه در ۸۱/۱۲/۲۲ برای نگارنده نوشت:

«امروز تذکره میکند رسیده و ساتکینی از آن بهره ور شدم. متن را خوب آراسته و با توضیحات همراه ساخته اید و تاریخی ادبی برای عصر قاجار یزد به علاقه مندان عرضه کرده اید. دیدار چنین مجموعه ای که از دست مسرت رسید، مایه مسرت شد و توفیق شما را در پیشبرد کارهایی که آثارش را خواهیم دید، خواستارم. شاد باشید.» این شیوه نوازش گونه ای بود که افشار با همه پژوهشگران جوان داشت.

در سال ۱۳۸۲ چند سفر علمی برای افشار پیش آمد: نخست، در ۲۳ تیر برای شرکت در جلسه «طرح شاهنامه» توسط مؤسسه ایران شناسی بریتانیا. دیگر در تابستان برای گردهمایی شرق شناسی در زوریخ، سدیگر در آذر ۱۳۸۲ برای اهدای جایزه ادبی و تاریخی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار به پروفیسور کورویانگی، ایران شناس ژاپنی به توکیو که با سخنرانی افشار همراه بود. بنیان جایزه بنیاد موقوفات افشار، از اقدامات به یاد ماندنی ایرج افشار است که هر ساله به گزینش اعضای کمیته انتخاب به یکی از ایران شناسان نامی جهان اهدا می شود و در سال ۱۳۸۱ به کورویانگی تعلق گرفته بود. سرانجام برای تکمیل فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی اتریش و آرشیو دولتی اتریش به وین سفر کرد. هم در این سال به عضویت هیئت مشاوران علمی مجله آیینیه میراث درآمد.

معاملات و مراجعات حاج محمدحسین امین دارالضرب (مشهور به کمپانی) (متوفی شعبان ۱۳۱۶ق) و فرزند او حاج حسین آقا امین الضرب (محرّم ۱۲۸۹- شعبان ۱۳۵۱ق) است که مقیم یزد بوده اند. همچنین گزیده بعضی از نوشتجات حکام و اجزاء دیوان و معارف محلی را در بردارد. ضمناً فهرستی است موضوعی از مجموعه اوراق مربوط به یزد که در اسناد خاندان مهدوی موجود است.»

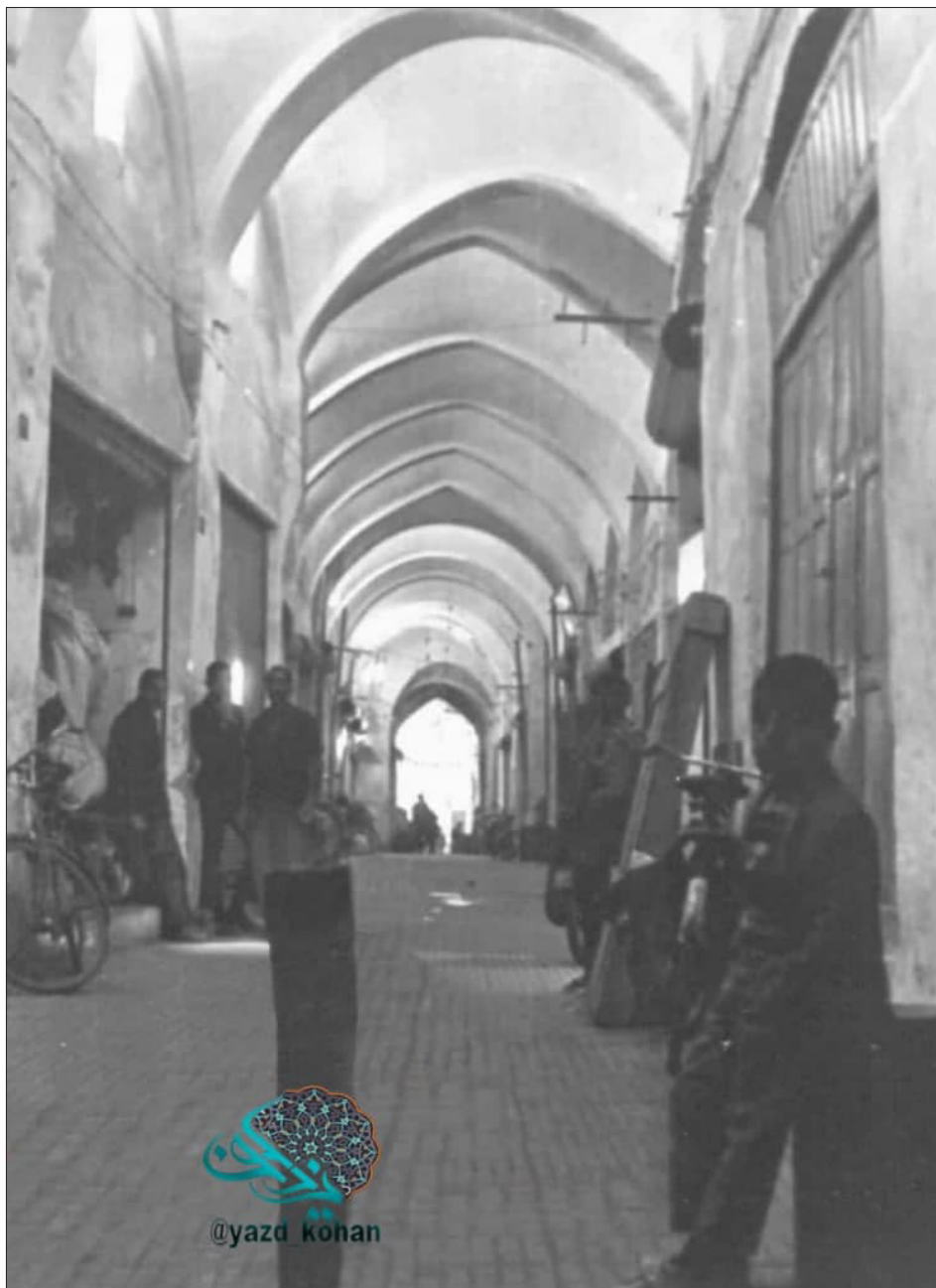
۱۳۸۰/۱۹/۲۹ روزی بود که دیگر بار افشار به یزد آمد و از بنیاد ریحانه الرسول بازدید کرد و در دفتر یادبود آن نوشت: «تجدید دیدار از شهر خاندان خود در این سفر که مفتخر به هم صحبتی دوست دانشمند گرامی آقای دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی برای بیش از آنچه تصور شود، دلپذیر بود.»

در سال ۱۳۸۰، فرید قاسمی از افشار پرسیده بود: اکنون چه می کنید؟ و او در پاسخ گفته بود: «یک مقدار کارهای کتابی انجام می دهم که واقعاً تلنبار شده در دوره نشر آینده که دلم می خواست این ها را به یک سرانجامی برسانم، نتوانستم. به قول منوچهر ستوده، بعدش معلوم نیست این ورق پاره ها چه سرنوشتی پیدا می کنند. ممکن است بریزندشان کنار خیابان و یا در زباله دان کوچک، من تصمیم گرفتم به جای ریختن در زباله دان کوچک، این ها را به زباله دان تاریخ بسپارم.»

تابستان ۱۳۸۱ افشار به قصد دیدن جمال زاده راهی ژنو شد و از بنیاد مصدق و کتابخانه ایران شناسی وابسته به آن دیدار کرد. در همین سال مشاور علمی دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی شد (تا سال ۱۳۸۵).

برای تکمیل فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی اتریش و آرشیو دولتی اتریش به وین سفر کرد. هم در این سال به عضویت هیئت مشاوران علمی مجله آیینیه میراث درآمد.





@yazd\_kohan

بازارچه پانجه علی نژد- ۱۳۴۸ خورشیدی  
عکاس: آتای غامبانی



▲ عکاس: مرجان دقتیان / زندان اسکندر

